



انترناسیونال ۴۲۰

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۸ مهر ۱۳۹۰، ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه

پنجم نوامبر: روز جهانی اعتراض برای آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی در ایران!
صفحه ۱۲



انقلاب با رهبری زاده نمیشود

مصاحبه تلویزیون کانال جدید با حمید تقوایی در مورد مطالبات مردم، انقلاب و اصلاحات،
و موقعیت و نقش چپ در هدایت و پیروزی انقلابات

با سرکوب و خشونت آمیزترین شیوه
ها با این اعتراضات برخورد کرده
است. این تجربه همه مردم را به این
نتیجه درست رسانده است که با
وجود جمهوری اسلامی نمیتوان از
حل مسائل اقتصادی و اجتماعی
صفحه ۲

کس این را میداند که مانع اصلی
برای حل این مشکلات خود رژیم
جمهوری اسلامی است. این را
مدتهاست مردم میدانند.
در جامعه همیشه هم اعتراضات
و مبارزات وسیعی بر سر این مسائل
وجود داشته و هم جمهوری اسلامی

خود حکومت جمهوری
اسلامی؟
حمید تقوایی: نکاتی که بر
شمردید ابعاد مختلف مسائلی
که مردم با آن دست بگریانند را
 مطرح میکند ولی فکر کنم هر

سیما بهاری: اولین سؤال
اینستکه زندگی روزمره مردم را
چه مساله ای بیش از هر چیز
دیگر تحت تاثیر قرار میدهد:
مشکلات اقتصادی، مسائل
اجتماعی، بیکاری و فقر و یا



آغاز دور دوم اعتصاب هزاران کارگر پتروشیمی

شهرلا دانشفر

کارگران پتروشیمی علیرغم تهدیدها و
فشارها کوتاه نیامده اند. يك اتفاق سیاسی
مهم در این هفته شروع دور دوم اعتصاب
هزاران کارگر پتروشیمی ماهشهر است.
اعتصاب این بار نیز از پتروشیمی "بندر امام"
شروع شده و تا کنون پتروشیمی های اروند،
امیرکبیر و تندگویان به آن پیوسته اند. در
فروردین ماه امسال بود که بخش وسیعی از
این مجتمع کارگری با همین خواست به میدان
آمدند و اعتصابات یازده روزه متحد آنان
بطور واقعی تحرك جدیدی در جنبش کارگری
ایجاد کرد. اعتصابات موفق که مدیریت
ناگزیر به دادن تعهدی کتبی مبنی بر اجرایی
کردن خواست کارگران پتروشیمی ماهشهر
طی زمانی سه ماهه شد. بعد از آن اگر چه
در پایان موعد تعیین شده پاسخی به کارگران
داده نشد، ولی مدیریت دو ماه دیگر یعنی تا
آخر شهریور ماه فرصت خواست. در برابر این
پیشنهاد مدیریت در همانموقع کارگران
متحدانه ایستادند و اعلام کردند که این
آخرین مهلتی است که به مقامات مسئول
داده میشود و اگر این بار پاسخی داده نشود،
اعتصابات خود را از سر خواهند گرفت.
اکنون در پایان این اولتیماتوم است، که
کارگران با عزم جزم جلو آمده و اعتصاباتشان
را از سر گرفته اند.

اعتصابات کارگران پتروشیمی ماهشهر
مهم است چون اولاً در يك مرکز کلیدی
کارگری با هزاران کارگر، وابسته به صنایع
نفت صورت میگيرد و ثانياً کارگران با
خواست مهم کوتاه شدن دست پیمانکاران از
صفحه ۴

زنده باد انقلاب مصر

يسقط يسقط حكم العسكر

وارد فاز جدیدی کرده است. آنانکه با
جنبش کارگری در مصر آشنا هستند
میدانند که انقلاب جاری در مصر در
ادامه و امتداد مبارزات گسترده و
سازمان یافته کارگران مصر در سال
صفحه ۹

احمد فاطمی
رویدادهای دو هفته اخیر مصر،
اعتصاب صدها هزار کارگر و معلم
و محصل و پزشك و رانندگان
ترانسپورت عمومی انقلاب مصر را

انقلاب پایان نیافته است!

مصر کارگران در مقابل مصر سرمایه داران

است. اما انقلاب برای رهایی همه
انسانها يك پدیده واقعی سیاسی
است که تنها با حضور فعال و
پیشرو و رهبری کننده طبقه
کارگر رادیکال ممکن است. در
صفحه ۹

محسن ابراهیمی
انقلاب مصر، از همان اول
انقلاب همگان نبود اما قطعاً
انقلابی برای رهایی همگان بود.
انقلاب همه باهم تناقض در خود

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

صفحه ۸

ملک عبدالله هم جام زهر را نوش جان می کند
سهیلا شریفی
عبدالله پادشاه عربستان زنان در این
کشور می توانند از سال ۲۰۱۵ در
رای گیری شوراها شهر و مجلس
که بدنبال فرمانی از طرف ملک
صفحه ۷

احمد فاطمی
رویدادهای دو هفته اخیر مصر،
اعتصاب صدها هزار کارگر و معلم
و محصل و پزشك و رانندگان
ترانسپورت عمومی انقلاب مصر را

صفحات دیگر

دو سخنرانی در برلین، دو روز پرهیجان علیه

مذهب و کلیسا و پاپ

مینا احدی، صفحه ۱۱

اعتصاب هزاران کارگر پتروشیمی های ماهشهر

ادامه دارد

صفحه ۱۲

به بهانه سالگرد جنگ هشت ساله ایران و عراق!

محمد شکوهی، صفحه ۱۰

چند خبر از اعتراضات کارگری در ایران

صفحه ۱۰

بازتاب هفته

کدام سارق قربانی می شود؟

بهرز مهرآبادی

اعتراض القاعده به احمدی نژاد

بهرز مهرآبادی

ما تصویر گر جلاذ نیستیم

یاشار سهندی

رویدادهای منطقه در یک نگاه!

محمد شکوهی

صفحات ۶-۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

انقلاب با رهبریش زاده نمیشود...

از صفحه ۱



مثل فقر و اعتیاد و بیکاری و بیحقوقی زنان و دیگر مسائل و مشکلات مردم حرفی بمیان آورد. همه چیز گره میخورد بوجود رژیمی که در واقع کل این مسائل و مصائب با مردم تحمیل کرده است و با نیروهای سرکوبگر و دارو دسته های اوباش و انواع نیروهای نظامی و انتظامی که بجان مردم انداخته است به این وضعیت تداوم میبخشد. بنابراین خیلی روشن است که همه چیز گره میخورد به امر تغییر فوری رژیم. و این راه حل واقعی مشکلات و مصائب مردم است. این را هم اضافه کنم که این نتیجه گیری به این معنا نیست که بر سر مسائل مشخص مثل افزایش دستمزدها و علیه بیکاری و بر سر حقوق زن و یا علیه دخالت مذهب در دولت و قوانین و غیره نباید مبارزه کرد. برعکس از کانال همین مبارزات و با متحد شدن و همجهت شدن و یکپارچه شدن همین مبارزات هست که کل موجودیت جمهوری اسلامی هم بخطر می افتد و جنبش سرنگونی طلبانه، جنبش برای تغییر رژیم هم ازین مبارزات نیرو میگیرد. در واقع باید گفت که تمام این عرصه های مشخص مبارزه ابعاد و جنبه های مختلف جنبش عمومی برای بزرگ کردن جنبش جمهوری اسلامی است و در همین مبارزات عرصه ای بر سر خواسته های مشخص است که مردم عملا کل رژیم جمهوری اسلامی را نیز بجالش میکشند.

سیما بهاری: معمولاً وقتی از مطالبات مردم صحبت میکنیم میگوئیم مردم آزادی میخواهند، رفاه میخواهند، برابری میخواهند. از نظر شما از این سه خواسته پایه ای رفاه، آزادی و برابری کدام در درجه اول اهمیت قرار دارد؟

حمید تقوایی: به نظر من اگر آزادی و برابری و رفاه را بطور حقیقی و واقعی و درست مطرح کنیم میبینیم که همه این خواسته ها بهم گره خورده اند. آزادی به معنای رهایی انسان از قید و بندهایی که نظام سرمایه داری بمردم تحمیل کرده است بدون برابری ممکن نیست. و رفاه هم همینطور بدون برابری قابل تحقق نیست. اگر آزادی را به سطح

منظور من اینستکه ممکن است آزادی و رفاه را در معنی محدود کلمه تعبیر کرد، مثلاً آزادی را پارلمان و یا دموکراسی دانست آنطور که در کشورهای غربی هست و یا رفاه را تامین یک حداقل زندگی بخور و نمیری برای مردم به این معنی که شغلی داشته باشند و یا بعنوان مسکن آلودگی داشته باشند و سقفی بالای سرشان باشد تعریف کرد ولی میدانیم که اکثریت جامعه رفاه و آزادی را به این معنی درک نمیکند و نمیخواهد. در جوامعی که این نوع "آزادی و رفاه" دارند هنوز فقر و تبعیض و نابرابری طبقاتی و استثمار و انواع ستمها و مصائب بیداد میکنند. مثل همه جوامع غربی که هم این مصائب در آنها هست و اعتراض و مبارزه علیه این وضعیت هم هست. اما وقتی به برابری میرسیم نمیشود زیاد تعبیرات متفاوتی از آن بدست داد. گرچه بعضی برابری را بعنوان برابری مردم در برابر قانون تعبیر میکنند ولی این تعریف پوچی از برابری است. مردم عادی وقتی از برابری صحبت میکنند منظورشان بروشنی اینست که دره عظیم بین فقر و ثروت در جامعه از بین برود. اینکه کسی که در یک خانواده ثروتمند بدنیا میاید و چون پدر و مادرش سرمایه دار و یا صاحب ثروت هستند زندگیش برای تمام عمر تامین است و در مقابل کسی که در طبقه

کارگر بدنیا میاید از همان کودکی باید مشغول کار بشود تا زندگیش را تامین کند خیلی روشن است که هیچ اثر و نشانه ای از برابری در اینجا نیست. حال چه در جامعه آمریکا باشد و چه در جامعه ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی. در هر حال نکته مهم اینست که در واقع برابری هست که میتواند بطور واقعی رفاه و آزادی را برای همه مردم تامین کند.

سیما بهاری: در انقلابات اخیر که در کشورهای متعددی اتفاق افتاد میبینیم و می بینیم و میخوانیم که معمولاً دولتهای حاکم را تحت فشار میگذارند که اصلاحات بکنند. اما وقتی دولتها پای این اصلاحات میروند مردم نمیپذیرند و میگویند دیگر قبول نیست، انقلاب و سرنگونی میخوایم. سؤال اینست که بالاخره اصلاحات قابل قبول هست و یا نیست؟ چطور باید با این مساله برخورد کرد؟

حمید تقوایی: تا جایی که به تجربه این انقلابات مربوط میشود قضیه برعکس است. یعنی اول انقلابی شروع میشود و مردم حرکتی را برای بزرگ کردن حکومت شروع میکنند و بعد بالایشها به صرافت اصلاحات میافتند! ناگهان خرگوش اصلاحات را از کلاه در میآورند که "بخانه بروید ما اصلاحاتی را در دستور میگذاریم!" این نوع اصلاح طلبی عین ارتجاع است. شان نزول آن مقابله با انقلابست. و نه هیچ بهبودی در وضعیت مردم. این باصطلاح اصلاح طلبی اسلحه ایست که ارتجاع حاکم در برابر انقلاب بدست میگیرد. وقتی مردم بلند میشوند و این تشخیص را میدهند که برای حل مسائل و مشکلاتشان باید حکومتی برود و دیکتاتوری سرنگون بشود و سیل تظاهرات و اعتصابات، اعتراضات شروع میشود، دیکتاتورهای که تا دیروز حتی با ذره ای بهبود در وضعیت مردم مخالفت میکردند اند دفتعا به صرافت اصلاحات می افتند. این "اصلاح طلبی" قبول نیست. این را حتی اصلاحات نمیشود نامید. این یک تاکتیک ارتجاع است برای خواباندن انقلاب و ادامه همان وضعیت قبلی. دیدیم بشار اسد حرف از اصلاحات زد، اما نه اصلاحاتی در کار است و نه کسی این ادعا را جدی میگیرد و یا قذافی و پسرش سیف

الاسلام هم قبل از اینکه متواری بشوند ادعای اصلاح طلبی داشتند و میگفتند بیائید مذاکره کنیم و اصلاحاتی را در دستور بگذاریم. دولتهای غربی هم معمولاً این موضع را میگیرند که باید دیکتاتورها به اصلاحات تن در بدهند ولی بطور واقعی حتی اسم اصلاحات از سر این نوع مانورها و تاکتیکها زیاد است. اینها تمهیداتی است که ارتجاع حاکم و دیکتاتوری حاکم بکار میگیرد تا مردمی که دقیقاً بهبود و رفاه و باین معنی اصلاحات عمیق در زندگیشان میخواهند را به عقب براند و به شکست بکشاند و وضعیت موجود را حفظ کند. باین دلیل است که اصلاح طلبی در شرایط انقلابی به نظر من یک تاکتیک ارتجاعی است. استفاده از نام اصلاحات است برای سرکوب و توهم ایجاد کردن و بخانه فرستادن مردم معترض.

ولی با اصلاحات علی العموم ما نه فقط مخالفتی نداریم بلکه از هر نوع اصلاح واقعی در وضعیت مردم حمایت میکنیم. اصلاح طلب واقعی کسی است که خواهان بهبود وضعیت مردم است. کسی که وقتی شرایط طوفانی نیست، وقتی جامعه در حالت انقلابی نیست، وقتی مردم تحت فشارند و ساکت و مرعوب شده اند، در چنین شرایطی سینه سپر کند و خواهان اصلاحات در برابر دیکتاتوری حاکم بشود. مثلاً خواهان آن باشد که زنان با مردان برابر باشند یا حقوق کارگران افزایش پیدا کند و یا حق تشکل و اعتصاب و آزادیهای سیاسی برسمیت شناخته بشود و غیره. یعنی اصلاح طلبی برای بهبود وضعیت زندگی توده مردم و نه بعنوان آلترناتیو انقلاب آنها. این نیروها را میشود اصلاح طلب نامید ولی اصلاح طلبی دوران انقلاب مثل همان اصلاح طلبی نوع دو خردادی در ایران در واقع تلاشی برای حفظ نظام از "گزند" انقلاب است و کاملاً ارتجاعی است.

سیما بهاری: تقریباً بیشتر صاحبزنان و حتی برخی از دولتها این ارزیابی را دارند که همان اتفاقاتی که در منطقه افتاد و انقلاباتی که شد در ایران هم تکرار میشود. اما بیشتر از دوسال است که از انقلاب ۸۸ که مردم در صفوف میلیونی یک نبرد رو در رو با حکومت داشتند گذشته

است. چرا امروز ما تحرکی نمیبینیم؟ آیا واقعا تحرکی نیست و اگر اینطورست دلیلش چیست؟

حمید تقوایی: اینکه تحرکی هست و یا نیست را اجازه بدهید بعداً توضیح بدهم لی هر چه هست در هر حال روشن است که جنبش انقلابی مردم که در سال ۸۸ بمیدان آمد و آن ابعاد عظیم را داشت فرونشاند شده و به عقب رانده شده. چه عواملی باعث این امر شد؟ اولین عامل سرکوب و خشونت و جنایت بیحد و حصری است که جمهوری اسلامی در برابر جنبش انقلابی مردم در پیش گرفت. بگلوله بست، وسیعاً بازداشت و دستگیر کرد، کهریزکها را بوجود آورد، جامعه را مرعوب کرد و جنبش را به عقب راند.

جنبه دیگر اینست که مردم بدرست از شکاف و دعوای درون حکومتی استفاده کردند. دعوای بین جناح موسوی- کروی با جناح احمدی نژاد و خامنه ای و اصولگرایان بر سر انتخاباتات حد شد و مردم بدرست ازین شکاف استفاده کردند اما در عین حال این شکل و ظرف و محمل اعتراض اجازه داد که جناح مغلوب حکومت که صریحاً میگفت میخواهد نظام را حفظ کند و تنها اختیارات رهبر محدود بشود و غیره در جامعه بجلوی صحنه سیاسی رانده بشود و بعنوان قیدی پهای جنبش انقلابی مردم عمل کند. به نحوی که مبارزه مردم در خیابان کاملاً علیرغم و در مقابل شعارها و باصطلاح رهنمودهایی بود که خط موسوی- کروی اعلام میکرد. نظیر راهپیمائی سکوت و شعار الله و اکبر و یا خواست بازگشت بقانون اساسی و دوره خمینی و غیره و غیره. مطرح شدن و بجلو رانده شدن این نوع مواضع و سیاستها یک نقطه ضعف حرکت ۸۸ بود. انقلاب نتوانست با پرچم متفاوتی و با نقد جریان "اپوزیسیون" حافظ نظام و یا نیروهای "اصلاح طلب" به معنایی که در سؤال قبل توضیح دادم تداوم پیدا کند. انقلاب به آن درجه از عمق نرسید که حساب خودش را بروشنی از این نیروها جدا کند.

بالاخره شرایط منطقه ای و جهانی را هم باید در نظر گرفت. امروز بعد از زنجیره انقلابات در کشورهای منطقه میبینیم که از انقلاب و انقلابیگری اعاده حیثیت شده است، انقلاب به یک صفحه ۳

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

انقلاب با رهبری زاده نمیشود...

از صفحه ۲

گفتمان جهانی تبدیل شده و بورژوازی جهانی و دولتهای غربی کاملاً به موضعی تدافعی افتاده اند. بهمین خاطر استقبالی که در افکار عمومی از این انقلابات میشود و انوریته و جذابیت و محبوبیتی که انقلابها در زمان حاضر در منطقه و در جهان کسب کرده اند در سال ۸۸ وجود نداشت. امروز انقلابها در کشورها مختلف بیکدیگر یاری میرسانند و بهمین امید میدهند و بیکدیگر را تقویت میکنند. انقلاب ۸۸ ازین نقطه نظر میشود گفت تنها بود.

اینها عوامل مختلفی است که باعث شد انقلاب ۸۸ به عقب نماند. ولی نمیتوان گفت امروز در جامعه ایران تحرکی وجود ندارد. بهیچوجه جامعه ساکت و ساکن نشده است. این را شما در اعتصابات مداوم کارگری و اعتراضات هر روزه مردم میبینید. و بازتاب این امر را بخصوص در این یکی دوساله اخیر در حد شدن بیسابقه دعوای درون حکومت و بجان هم افتادن بخشهایی از خوداصولگرایان مشاهده میکنید. اینها همه نشان میدهند که جامعه آستن تحولات عظیمی است و من فکر میکنم زنجیره انقلابات منطقه بسرعت به ایران هم خواهد رسید و ما شاهد او جگیری دور مجددی از انقلاب در ایران خواهیم بود.

سیمما بهاری: وجه مشخصه تقریباً همه انقلاباتی که در منطقه اتفاق افتاد بی رهبر بودن آنهاست. توده مردم بطور خوربخودی به خیابان میریزند و اعتراض میکنند آیا نمیشود ازین مشاهده اینطور نتیجه گرفت که انقلابات با رهبری از پیش تعیین شده و معین پیش نمیروند و پیروز نمیشوند؟

حمید تقوائی: به نظر من شکل درست تبیین مساله اینستکه رهبری انقلابها در دل خود انقلاب شکل میگیرد و عروج میکند. هر اندازه هم احزاب رادیکال و چپ و انقلابی از پیش وجود داشته باشند و قوی هم باشند - که البته در این دیکتاتوریهایی چنین شرایطی نیست چون یکی از دلایل وجودی دیکتاتوری اینست که احزاب چپ و رادیکال را سرکوب کند و تحت پیگیری و دستگیری و زندان و اعدام قرار بدهد؛ در جمهوری اسلامی اینطورست و در مصر زمان مبارک هم همینطور بود - ولی در هر حال حتی اگر فرض کنیم چنین احزاب قدرتمند و

انقلابات شناخته میشوند. ولی در انقلابات اخیر مشاهده میکنیم چپها و کمونیستها جلوی صحنه نبودند؟ مشکل چیست؟ آیا نوبت چپها هنوز فرا نرسیده؟ آیا این انقلابات نوع انقلاب سوسیالیستی نبود؟ یا علت ضعفی است که خود چپها دارند و اشکال از آنهاست؟

حمید تقوائی: به نظر من نکاتی که بر شمرید هیچکدام جواب واقعی مساله نیست گرچه نکته آخر جنبه ای از واقعیت را بیان میکند. اجازه بدهید منم از همین جا شروع کنم. وقتی از چپ و کمونیسم صحبت میکنیم باید توجه کنیم که یک تصویر عمومی از چپ و کمونیسم وجود دارد که در چهل پنجاه سال اخیر در دنیا شکل گرفته است. در این دوره جنبشها و فعالین و احزاب سیاسی خود را چپ و کمونیست مینامیدند که به آرمان و خواست آزادی و برابری و حتی دخالتگری و فعالیت در مبارزات و خصوصیات دیگری که شما که به آن اشاره کردید ربطی نداشته اند. نه در عمل و نه حتی در سیاستها و مواضع اعلام شده شان. همین امروز نیروهای خود را کمونیست میخوانند که طرفدار حزب الله و اسلام سیاسی هستند. چپهای ضد آمریکایی که هر نیروی مخالف آمریکا را خودبخود مترقی و انقلابی میدانند. "چپهایی" هستند مثل حزب توده در خود ایران که مواضعشان ارتجاعی است. و کلا احزاب دیگری که طرفدار شوروی بودند و غیره. این نیروها را بهیچوجه نمیتوان جزء جنبشی دانست که امرش آزادی و برابری و رفاه و بریز کشیدن کل نظام استثمار سرمایه داری برای رسیدن به این اهداف است. صف این نیروهای مدعی کمونیسم را نباید با صف کمونیسم کارگری اشتباه گرفت. متأسفانه در دوره جنگ سرد چپ و کمونیسم عمدتاً با این نوع نیروها تداعی میشد و هنوز هم در افکار عمومی کمونیسم نوع بلوک شوروی تصور عمومی است که مردم از کمونیسم دارند. بنابر این وقتی از ضعف چپ در انقلابات جاری صحبت میکنیم باید متوجه باشیم که این نوع چپ و کمونیسم غیر کارگری بنا به مناسبت سیاستهای اصولاً نمیتوانست و نمیتواند در این انقلابات جانی داشته باشد.

از طرف دیگر شناخته شدن چنین نیروهایی به اسم کمونیست در اذهان عمومی خود بعنوان مانعی برای رشد و کسب نفوذ کمونیسم کارگری عمل

میکند. روشن است که جنبش کمونیسم کارگری که منافع و سیاستها و اهداف واقعی طبقه کارگر و به این اعتبار سیاستهای رهائیبخش کل جامعه را نمایندگی میکند تماماً در نقطه مقابل شاخه های مختلف چپ غیرکارگری قرار دارد اما این واقعیت باید در یک سطح وسیعی شناخته بشود و این تماماً به پراتیک کمونیسم کارگری در دل این انقلابات گره میخورد. با این توضیحات امیدوارم نقش بقول شما "ضعف چپ" در جلوی صحنه نبودن کمونیستها روشن باشد.

اما فاکتورهای دیگری که گفتید نظیر اینکه وقت ایفای نقش چپ نرسیده و یا شرایط انقلاب سوسیالیستی مهیا نیست و غیره، اینها دیگر صادق نیست. این انقلابات از لحاظ مضمون واقعیشان و بطور عینی انقلاباتی هستند علیه سرمایه داری و این کاملاً روشن است. همه میدانند که مردم گرچه علیه دیکتاتورها بلند شده اند ولی آرمانشان پارلمان و انتخابات و دموکراسی نوع غربی نیست. و حتی رسانه ها و دولتهای غربی هم هیچکدام نتوانستند ادعا کنند که این انقلابات بر سر پارلمان است. یک دلیل اینست که در خود اروپا و آمریکا دموکراسی به آخر خط رسیده است. مردم میگویند پارلمان بخواهیم که چه بشود؟ که مثل آمریکا و انگلیس و یونان و غیره قوانین ریاضتکشی اقتصادی را تصویب کند و به فقر و بیکاری و بستن بیمارستانها و مهد کودکها و زدن از خدمات عمومی قانونیت بدهد؟ بنابراین پارلمان آرمان کسی نیست. دوره توهم به آن نوع حکومتی که بورژوازی غرب همیشه تلاش داشت بعنوان آرمان و الگوی مردم کشورهای جهان سوم قلمداد کند تمام شده است و بطور واقعی الان بحث بر سر دخالت مستقیم مردم در سیاست و در سرنوشت سیاسی خودشان است و

اینکه "رویای ما از صندوقهای رای بیرون نیاید" و غیره. بنابر این باید گفت که از لحاظ اجتماعی چپ قوی است و این شرایط چپ انقلابی نوع کمونیسم کارگری را طلب میکند و بیدان فرا میخواند. من فکر میکنم بر زمینه این شرایط کمونیسم کارگری میتواند به سرعت نیرو جمع کند و به یک عامل موثر در تحولات سیاسی تبدیل بشود. بخصوص در کشورهای که انقلاب دیکتاتور را سرنگون کرده یک آزادیهای دفاکتو و فضای باز سیاسی ایجاد شده که مثل شرایط

امروز مصر به جنبش کارگری و چپ کارگری امکان میدهد که بعنوان نیروی مدافع و پرچمدار و نماینده برابری و آزادی و رفاه بجلوی صحنه رانده بشود.

سیمما بهاری: حمید تقوائی آیا فکر نمیکنید که تنها یک حزب حالا هر مرامی داشته باشد و هر اندازه رادیکال باشد به تنهایی نمیتواند رهبری را بدست بگیرد؟ نظراتان در مورد جبهه فراگیر احزاب و جریانات سیاسی چیست؟

حمید تقوائی: این نظریه که گویا هر چه تعداد بیشتری از احزاب و فعالین سیاسی مخالف دور هم جمع بشوند مبارزه برای سرنگونی و انقلاب بیشتر تقویت میشود یک تصور سطحی و ساده اندیشانه و یک توهم است. اینطور نیست. مبارزه مردم وقتی تقویت میشود که اعتراض و نقد رادیکال و عمیق کمونیستی به وضعیت موجود بتواند در انقلاب دست بالا پیدا کند و نظر توده های انقلابی را بخود جلب کند. بعنوان مثال در شرایط سیاسی ایران نیروهایی که خواهان سرنگونی هستند تعبیر مختلفی از سرنگونی دارند. برخی مقصودشان صرفاً کنار گذاشتن ولی فقیه است. یا حتی اگر مخالف حکومت اسلامی باشند با نظام حاکم مشکلی ندارند و میخواهند ماشین دولتی را با تمام دستگاه اداری و زندانها و نیروهای انتظامی و نظامی و سایر نهادهای سرکوبگرش حفظ کنند. هرچه این نوع نیروها بیشتر متحد بشوند و یا ائتلاف کنند و جبهه تشکیل بدهند مبارزه تقویت نمیشود، تضعیف میشود. چنین جبهه ای نمیتواند به پرچمدار و نماینده آزادیخواهی و برابری طلبی بی تخفیف و آرمانی کارگران و توده مردم حتی در همان سطحی که در خیابانها - در انقلاب ۸۸ ایران و در انقلابات جاری در منطقه - مطرح میکنند تبدیل بشود.

به نظر من راه تقویت انقلاب این است که نیروهای انقلابی - منظورم فقط کمونیسم کارگری و حزب نیست بلکه هر نیرویی که بخواهد به آرمان های انقلاب وفادار باشد - انتقاد و اعتراض مردم به وضعیت موجود را تعمیق ببخشند و رادیکالیزه کنند. برای مردم توضیح بدهند که علت وجود دیکتاتوری و فقر و بیحقوقی گریبانگیر جامعه چیست، نقش مذهب در این میان چیست، و چطور مذهب در ایران و در هر کشور دیگری

آغاز دور دوم اعتصاب ...

از صفحه ۱
شهلا دانشفر

بشکند. تلاش کرده است که از وجود کارگران رسمی و حتی کارمندان برای پر کردن جای کارگران اعتصابی استفاده کند و مانع از کار افتادن خط تولید شود. اما عملاً کارگران رسمی در مقابل او ایستاده اند و کاربرد این سیاست نیز راه به جایی نبرده است و این خود درجه بالای اتحاد کارگران در این مجتمع را نشان می‌دهد.

اعتصابات متحد هزاران نفره کارگران پتروشیمی ماهشهر تا همین جا دستاوردهای با ارزشی برای این کارگران داشته است. در اعتراض روز چهارشنبه ۶ مهر کارگران با شعارهای فرماندار خجالت خجالت، وعده های توخالی دیگر اثر ندارد، ظرفیت کار خجالت خجالت، وعده ما شنبه همینجا همینجا، قول و قرار های تداوم قدرتمند تر اعتصاب را گذاشتند و بدین ترتیب عزم جزم خود را برای پیگیری خواسته‌هایشان بیان کردند. اکنون با گذشت ۵ روز از اعتصاب این کارگران تولید در این پتروشیمی رو به کاهش گذاشته است و بنا بر اخبار منتشر شده تمامی تعمیرات اساسی که قرار بود انجام شود همچنان بر زمین مانده، تریلی‌ها به سختی بارگیری میشوند و بویژه واحدهای تعمیرات، نگهداری، ابزار دقیق و برق و... که تماماً انجام کار در آنها بر عهده کارگران شرکتهای پیمانکاری بوده است با مشکلات شدیدی مواجه شده اند. کارگران پتروشیمی ماهشهر بر روی خواست خود، خواست کوتاه

شدن دست پیمانکاران و قراردادهای مستقیم با شرکت مصممند.

کل این تصویر ابعاد گسترده و فضای بالای اعتراض در میان کارگران پتروشیمی را بیان میکند. همانطور که بالاتر اشاره کردم این اتفاق مهم است چون خواست کوتاه شدن دست پیمانکاران یعنی تلاش برای کنار زدن يك سلاح مهم سرمایه داران علیه کارگران. وجود پیمانکاران متعدد به سرمایه امکان داده است که کارگران را شقه شقه کند، از اتحادشان جلوگیری کند، حرکت سراسری کارگران را بسیار مشکل سازد، و بسیاری از حقوق اولیه کارگران ساده تر زیر ضرب قرار گیرد.

خواست کنار زدن دلالتان مفتخور روی يك مساله و معضل مهم جنبش کارگری انگشت می‌گذارد که در واقع کل این شرایط برده وار کار در ایران را که معضل بخش عظیمی از کارگران در ایران است را زیر حمله قرار میدهد و می‌خواهد کل این زنجیر را از پای جنبش کارگری پاره کند. بویژه همانطور که اشاره شد طرح این خواست در پتروشیمی بدنبال خود طرح آن در مراکز کلیدی مهمی چون صنایع نفت و صنایع وابسته به آن، مجتمع های بزرگی چون ایران خودرو و امثال این مراکز بزرگ را نیز بدنبال خواهد داشت. همینجا اشاره کنم که تا همینجا حتی قبل از اینکه کارگران پتروشیمی به همه خواسته‌های خود برسند در واقع این فضا برای طرح خواست کنار زدن دست زالوهای پیمانکار از مراکز بزرگ تولیدی ایجاد شده است و بدون تردید شاهد چنین حرکتی در ابعادی سراسری خواهیم بود. این را هم باید توجه داشت که این اعتصابات در شرایطی روی میدهد که

جامعه در جنب و جوش اعتراض است. بازگشایی مدارس و گرانی و فقر و خارج ماندن بخش زیادی از کودکان از چرخه تحصیلی مردم را به خشم درآورده است، محیط های کارگری حالتی انفجاری دارد و هر روز شاهد اعتراض و حرکتی در این کارخانه و آن کارخانه در شهرهای مختلف هستیم و مردم همه جا دارند از اینکه چگونه میشود این رژیم را سرنگون کرد سخن می‌گویند. در چنین شرایطی، هر حرکت کارگران و بویژه اعتصابی در چنین ابعاد اهمیت سیاسی ویژه ای پیدا میکند.

طبعاً يك راز مهم موفقیت تا کنونی کارگران پتروشیمی ماهشهر صف متحد این کارگران است. باید این اتحاد را به شکل و سازمان تبدیل کرد. هزاران کارگران پتروشیمی ماهشهر اکنون بیش از هر وقت اهمیت و جایگاه اجتماعات هر روزه خود بعنوان محلی برای تصمیم گیری و متحد شدن را می‌بینند و تجربه میکنند. این دستاورد را باید ارج گذاشت و حفظش کرد. از همین رو میتوان و باید تلاش کرد این جمع شدن ها را به نهادی ثابت و دائمی تبدیل کرد. به این معنی که جدا از این روزهای اعتراض که هر روزه کارگران جمع میشوند و اعتراض خود را بیان میکنند، هر روزه جمع میشوند و با قدرت مبارزه جمعی خود مدیریت و مقامات مسئول را زیر فشار می‌گذارند، تصمیم گرفت که هر هفته در روزی معین جمع شد و مجمع عمومی خود را تشکیل داد. جمع شد و در مورد مشکلات و چگونگی پیگیری خواسته‌های خود صحبت و گفتگو داشت و بدین ترتیب مجمع عمومی را

به محلی برای متشکل شدن و متحد ماندن و تصمیم گیری و اعمال اراده خود در مورد شرایط کار و زندگیشان تبدیل کرد.

آنچه اکنون در پتروشیمی ماهشهر می‌گذرد و اهمیت و جایگاه این مبارزات امروز بر اهمیت يك همبستگی وسیع کارگری تاکید می‌گذارد. باید این مبارزات از سوی تشکلهای مختلف کارگری و همه کارگران مورد حمایت و پشتیبانی قرار گیرد. از جمله اتحادیه آزاد کارگران ایران طی بیانیه ای مبارزات کارگران پتروشیمی ماهشهر را مورد حمایت و پشتیبانی قرار داده و کل کارگران را به حمایت از این مبارزات فراخوانده است. باید به این حرکت پیوست. نباید کارگران پتروشیمی را تنها گذاشت. باید وسیعاً از خواسته‌ها و مطالبات این کارگران حمایت کرد. خانواده های کارگران در پتروشیمی ماهشهر میتوانند نقش مهمی در رساندن صدای کارگران پتروشیمی به سراسر ایران و حتی جهان داشته باشند. میتوانند نقش مهمی در گسترش این اعتراضات و تقویت آن داشته باشند. کارگران در مراکز مختلف کارگری میتوانند در اشکال مختلف همبستگی خود را با اعتصابات کارگران پتروشیمی ماهشهر نشان دهند. میتوانند با اعتصابات اخطاری، با نامه های حمایتی، با طومارهای اعتراضی و با ابتکارات مختلف این همبستگی را نشان داد. ما نیز به سهم خود تلاش داریم که صدای این اعتراضات را جهانی کنیم. زنده باد کارگران پتروشیمی ماهشهر. *

و آزدیخواهانه و برابری طلبانه مردم هستیم. و بالاخره باید بر این نکته هم تاکید کنم که حزب باید در عرصه مبارزه بر سر قدرت سیاسی بعنوان يك نیروی جدی و فعال شناخته بشود و مردم در سیمای این حزب این را ببینند که حزب میتواند قدرت سیاسی را بگیرد و نگهدارند و میتوانند به این ترتیب جامعه را آزادی و رفاه برسانند. اینها بطور خلاصه رؤس سیاست حزب است که گرچه سیاست همیشگی ما بوده است اما در این دوره و در شرایطی که جامعه در تب و تاب انقلاب قرار دارد پیشبرد این سیاستها جنبه مبرم و فوری و بسیار تعیین کننده ای پیدا میکند. *

مبارزه برای سرنگونی، در عرصه مبارزه برای مطالبات جنبش کارگری، آزادی زن، مذهب زدانی از دولت و جامعه، مبارزات جوانان و کلا در همه عرصه های مبارزاتی حزب باید حرف آخر را اول بزند یعنی نشان بدهد که چطور تحقق خواسته‌های برحق و انسانی مردم در گرو اینست که کل نظام سرمایه داری از بین برود. بخشهای مختلف جامعه به جنبه ها و گوشه هایی از نظام موجود اعتراض دارند. باید این اعتراضات را تا حد نقد ریشه های مضایب مردم و کلیت این نظام بسط داد و این یعنی پیشبرد سیاست تعمیق نه مردم در سطح کل جامعه. جنبه دیگر سیاست حزب اینست که در سطح عملی باید به سازماندهی مبارزات در جنبش کارگری و در دیگر

مبارزه برای سرنگونی، در عرصه مبارزه برای مطالبات جنبش کارگری، آزادی زن، مذهب زدانی از دولت و جامعه، مبارزات جوانان و کلا در همه عرصه های مبارزاتی حزب باید حرف آخر را اول بزند یعنی نشان بدهد که چطور تحقق خواسته‌های برحق و انسانی مردم در گرو اینست که کل نظام سرمایه داری از بین برود. بخشهای مختلف جامعه به جنبه ها و گوشه هایی از نظام موجود اعتراض دارند. باید این اعتراضات را تا حد نقد ریشه های مضایب مردم و کلیت این نظام بسط داد و این یعنی پیشبرد سیاست تعمیق نه مردم در سطح کل جامعه. جنبه دیگر سیاست حزب اینست که در سطح عملی باید به سازماندهی مبارزات در جنبش کارگری و در دیگر

انقلاب با رهبری زاده نمیشود...

از صفحه ۳

به جلو سوق دادن آنست و نه جمع جبری نیروهای سرنگونی طلب.

سیما بهاری: سوال آخرم را مطرح میکنم چون فرصت کمی داریم. حزب برای آنکه مردم آنرا انتخاب بکنند چه سیاستهایی را در دستور دارد؟

حمید تقوائی: فکر میکنم توضیحاتی که در سوال قبلی دادم تا حدی پاسخ به این سوال هم بود. قدم اول ما اینست که همانطور که گفتم نقد و اعتراض مردم به وضعیت موجود را عمیق کنیم و رادیکالیزه کنیم و به این ترتیب بتوانیم پرچمدار و نماینده و سخنگوی آمل و آرزوهای انسانی و برحق توده مردم باشیم. در زمینه

در خدمت مفتخورها و سرمایه داران عمل میکند.

یا وقتی با رژیم حاکم مخالفت میکنیم منظورمان از رژیم چیست؟ شخص دیکتاتور؟ دولت و کابینه موجود؟ یا کل سیستم و کل ماشین دولتی حاکم با همه ادارات و قوانین و زندانها و نیروهای سرکوبگر؟ سیستمی که باید تماماً کنار زده شود و جای خودش را بقدرت مستقیم مردم بدهد، همانطور که امروز مردم در مصر و دیگر جوامع در حال انقلاب دارند فریاد میزنند.

این خط و سیاست - که ما آنرا "تعمیق نه مردم به وضع موجود مینامیم" - راه واقعی تقویت انقلاب و

بازتاب هفته

کدام سارق قربانی می شود؟



بهروز مهر آبادی

با تمام تلاشهایی که در چند روز گذشته برای سرپوش گذاشتن روی اختلاس سه هزار میلیارد تومانی توسط بعضی از مقامات جمهوری اسلامی از جمله رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس انجام شد، دعوا بین دو باند رقیب بشدت بالا گرفته است. روز ۵ مهر سخنگوی وزارت اقتصاد رژیم از برکناری مدیر عامل بانک صادرات محمد جهرمی و همچنین تغییر مدیریت بانک سامان و برکناری یکی از اعضای هیئت مدیره بانک ملی خبر داد. او همچنین استعفای محمد خاوری مدیر عامل بانک ملی را هم اعلام کرد. خاوری در استعفا نامه خود از "مقام معظم رهبری و ملت ایران" عذرخواهی کرده و بانک صادرات را مسئول اصلی اختلاس بزرگ معرفی کرده است. بدنبال آن محمد جهرمی مدیر عامل برکنار شده بانک صادرات هم با انتشار بیانییه ای از فرار "خاوری" به کانادا خبر داد و اعلام کرد که: "باز هم آدرس غلطی را به مردم می دهند زیرا با فرار آقای خاوری به کانادا برخی از آنان دچار سردرگمی و دستپاچگی شده اند." او همچنین به بخش دیگری از دزدی ها و از جمله واگذاری زمینهای بسیار ارزان از طرف دولت به مهرآفرید امیر خسروی و گروه امیر منصور آریا اشاره کرد.

خاوری و جهرمی هر کدام مورد حمایت یکی از باند های حکومتی هستند. جهرمی حمایت بخشهایی از اصولگرایان را دارد. پس از برگزاری جلسه غیر علنی مجلس اسلامی درباره اختلاس، کاتوزیان رئیس کمیسیون انرژی مجلس از او حمایت کرد. خاوری نیز حمایت دار و دسته دولت را با خود دارد و گفته میشود فرار او نیز با توافق سران حکومت صورت گرفته است.

پس از انتشار خبر فرار رئیس مستعفی بانک ملی، سخنگوی این

بانک اعلام کرد که خاوری در یک ماموریت اداری در لندن بسر می برد و روز پنجشنبه به ایران باز خواهد گشت. غلامحسین اژه ای که بعنوان قاضی پرونده اختلاس معرفی شده اعلام کرد که: "دو نامه از دفتر خاوری به ما ارسال شده است. در نامه اول خاوری عنوان کرده است که استعفا داده و در نامه دوم مدعی شده به ایران باز می گردد و استعفا نداده است" او همچنین گفت که: "اگر خاوری به ایران باز نگردد همه وصله ها و اتهامات به او چسبانده می شود و این به نفعش نیست."

اژه ای یکی از سناریو های محتمل برای سرپوش گذاشتن روی پرونده اختلاس را مطرح می کند. همه اتهامات به خاوری چسبانده شود که مصون از تعرض طرف مقابل می تواند به کانادا محل سکونت دائمی اش برگردد. اما این پرونده به این سادگی بسته نخواهد شد. خاوری، جهرمی و چند پادوی دیگر می توانند بعنوان متهم در این پرونده قربانی شوند. اما این نمی تواند پایان ماجرا باشد. در افشاگری هایی که در مورد خاوری و جهرمی شده است، پای بسیاری از مقامات جمهوری اسلامی هم به میان کشیده شده است و دزدان اصلی هم احساس امنیت نمی کنند. بعید به نظر می رسد که به راحتی دفعات قبل بین دو جناح حکومت توافقی در این زمینه انجام شود. کشمکش شدیدی برای به دست گرفتن اهرم های قدرت در جریان است و نزدیک شدن برگزاری مضحکه انتخابات مجلس بیشتر بهانه و چاشنی ای برای شدت یابی جنگ و رقابتهای حادشان برای بالا کشیدن پولها و بدست گرفتن اهرم های قدرت است. این جنگ ادامه دارد و هرروز شدت بیشتری می یابد. هرچه خامنه ای تلاش میکند از لنگ و لگد زدن طرفین جلوگیری کند و اوضاع را آرام کند، لگد پرانی ها از جای دیگری شروع میشود و این بار بنظر میرسد که با توجه به اینکه پای میلیاردها دلار و ثروتهای عظیم در میان است، هیچکدام بسادگی نمیخواهد کوتاه بیاید. از آن طرف باندهای حکومت خود را زیر نگاه مردم بجان آمده و منتظر از حکومت می بینند که مترصد فرصتند که تک تک دزدان را به

محاکمه بکشند. نگرانی آنها برای بعد از سرنگونی رژیم است. پرونده دزدی ها و جنایت های دست اندرکاران حکومت اختلاس اسلامی آنقدر سنگین و آنقدر آشکار است که آنها را در هر جای جهان و در هر دادگاهی که زیر نفوذ جمهوری اسلامی نباشد، می توان آنها را به جرم جنایت علیه بشریت به محاکمه کشید. این دزدی ها و چپاول ها از نان شب کارگران و مردم محروم صورت گرفته است. به قیمت فقر و فلاکت، گرسنگی، بیماری و مرگ میلیونها نفر از مردم، گرسنگی و بیماری میلیونها انسان تمام شده است. پرونده این دزدی ها در جهان انتشار خواهد یافت و دنیای متمدن امروز در مقابل این راهزنی بی تفاوت نخواهد ماند. نگرانی دزدان بیش از هر چیز برای سرنوشت خود بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است.*

اعتراض القاعده به احمدی نژاد

شاید این از بلاهت احمدی نژاد است که این را حساب نکرده بود که با انکار جنایت ۱۱ سپتامبر فقط به دولت آمریکا حمله نمیکند بلکه روی بزرگترین "افتخارات" القاعده هم خط بطلان میکشد. شاید هم این را باید به حساب رقابت تروریستهای اسلامی گذاشت. القاعده ظاهرا هر دو جنبه را واقعی میدانند. رئیس جمهور اسلامی در سفر نیویورک بار دیگر انفجار مرکز بانک جهانی و کشته شدن نزدیک به سه هزار نفر را کار خود دولت آمریکا دانست. او اظهار داشت که "بعنوان يك مهندس" می تواند بگوید که برخورد هواپیما ها موجب فروپاشی دو آسمانخراش در نیویورک نبود بلکه انفجار بمب باعث آن شد. سازمان القاعده با انتشار بیانییه ای پرسید با وجود مدارك و دلایل کافی چرا احمدی نژاد اصرار می کند ایالت متحده خود عامل این حادثه است. القاعده برانگیخته شدن حس رقابت در جمهوری اسلامی را موجب تحریف مضحک واقعیت عملیات ۱۱ سپتامبر دانست. در وجود رقابت بین القاعده و جمهوری اسلامی در صنعت تروریسم هیچ شکی نیست. اما القاعده سخنان رئیس حکومت اسلامی را نباید جدی بگیرد. اظهار نظر او در مورد انفجار ۱۱ سپتامبر بهتر از اظهار نظر کارشناسانه او در مورد مضرات کشت سیب زمینی

نیست. ایشان در يك سمینار امور کشاورزی وزارت جهاد اظهار داشت که بجای اینکه کشاورزان سیب زمینی بکارند و برای هر کیلوی آن ۲۵۰ کیلو آب مصرف کنند، باید این آب را داخل بطری ریخت و به سایر کشورها صادر کرد و ۵۰ برابر درآمد داشت! صحبت کردن درباره تفاوت آب کشاورزی و آب آشامیدنی، چرخه طبیعی آب در طبیعت و بسیاری مسائل ابتدائی دیگر که هر کودک دبستانی آن را می داند، بیفایده است. معنی صریح این نظرات در يك سمینار کشاورزی این است که کشاورزی را تعطیل کنید و بجای آن آب صادر نمائید. بیان این نظرات مشعشع از رهبران حکومت اسلامی دور از انتظار نیست. از اولین رئیس جمهور آن که کشف کرد اشعه موی زنان موجب تحریک مردان می شود تا آخرین آن که هاله نور بالای سرش چشم اهالی فرنگ را خیره کرد و وجود هولاکاست را انکار کرد، همگی توحش آمیخته با بلاهت يك قبیله عصر حجری را همراه با وقاحت یحیی آنان به نمایش می گذارند. سران این قبیله حتی وقتی که کت و شلوار هم می پوشند باز هم نمی توانند سنگ چخماق و چماق در جیب های خود نداشته باشند و از پدیده های تاریخ معاصر جنایتبار ترین پدیده های آن یعنی سرمایه داری و فاشیسم را برگزیده اند.

اکثریت حاضرین در مجمع عمومی سازمان ملل بیش از ۵ دقیقه سخنان احمقانه رئیس جمهور اسلامی را تحمل نکرده و سالن را ترک کرده اند. می توان مقاومت و تحمل مردم ایران را سنجد که بیش از ۳۱ سال است اراجیف سران این رژیم را از رادیو و تلویزیون، از بلندگوها و در محل کار، مدرسه و دانشگاه می شنوند. حضور چنین ابلهانی که جز توحش و غارت چیزی نمی شناسند در مجامع بین المللی یجز بی اعتبار کردن این مجامع نتیجه دیگری نمی تواند داشته باشد.*

ما تصویر گر جلا

نیستیم

یاشار سهندی

۱۰ روز پیش بار دیگر جمهوری اسلامی جنایتی دیگر آفرید. جوانکی ۱۷ ساله درنمایشی رعب آور در حالی که مادرش را فریاد میزد و به شدت میگریست در صبحگاه چهارشنبه

دیگری در چهارراهی در کرج دار زده شد. "علیرضا ملاطانی" نام مقتول بود. او متهم به این بود که در يك حادثه "روح الله داداشی" را که قهرمان بدن سازی بوده در اوج عصیبت و درگیری با زدن ۳ ضربه چاقو به قتل رسانده بود. همه حادثه گواه این بوده نه تصمیم قبلی در کار بوده نه اساسا شب حادثه کسی قرار بوده بمیرد. میان يك مرد ورزیده و قوی هیكل و سه نوجوان درگیری پیش می آید و کار به برخورد فیزیکی شدید میکشد که در این میان چاقویی کشیده میشود و متأسفانه ضربات درست بر نقاط حساس بدن فرو می آید و منجر به مرگ "قهرمان" میشود. نه خود قهرمان و نه هیچکس دیگر چنین مرگی را برای "قویترین مرد جهان" پیش بینی نمی کرد و همین بر عواطف مردم تأثیر شدیدی داشت و از سوی دیگر در این مدت تمام شهر کرج و شهرکهای اطراف حومه پر شد از تصاویر بزرگ از قهرمان و هیكل هرکول وارث، و در زیر آن تصاویر نوشته شده با "خاطرات چه کنیم" یا "بعد از این ایران بی تو چه کند". وقتی که تصویر متهمان منتشر شد همگی شوکه شدند، چنان ریز اندام بودند که کسی باورش نمیشد که اینها قاتل باشند. شایع شد که عمدا این تصاویر منتشر شده است که قهرمان را تحقیر کرده باشند. شایعه پشت شایعه، گاه چنان شایعاتی منتشر میشد که باور آن بهیچ روی امکان پذیر نبود. و در این میان دستگاه خونریز دولتی بهانه مناسبی پیدا کرد که نمایش قتلی را برآه بیندازد که این بار ظاهرا وجدان عمومی هم آنرا میپذیرفت. به سرعت همه چیز مهیا شد و در تاریخکتهای صبح آخرین چهارشنبه تابستان ۹۰ علیرضا در اوج تنهایی و بی کسی و بی پناهی با قاتلانی روبرو شد که خون سرد دست به دنده و فرمان جرتقیل داشتند. اینها نماینده اتمه اظهار بودند که علیرضا از اتمه مدد می جست و این سنگدلان خون سرد علیرضا را که آرزوی آغوش مادرش را داشت به آسمان سیاه کشیدند تا نتواند به آخرین آرزویش نیز برسد. بی جهت نبود آرزو خورشید دیرتر طلوع کرد چرا که کودکی را بر دار کشیدند و جمعی بیمارگونه هلهله شادی سر دادند.

گزارشگران حکومتی مانند خبرگزاری فارس خبر را منتشر کرد و

بازتاب هفته

رویدادهای منطقه در یک نگاه!



محمد شکوهی

سوریه: تظاهرات در ۱۰۰ شهر و وعده اصلاحات

جنگ بیرحمانه و لشکر کشی گسترده نتوانسته است انقلاب مردم سوریه را عقب براند. پس از گذشت ۸ ماه از آغاز جنبش انقلابی و با وجود افزایش سرکوب، میلیونها نفر از مردم هرروزه در سراسر کشور با برپایی تظاهراتی گسترده به مبارزات خود برای به زیر کشیدن رژیم اسد ادامه می دهند. در ادامه اعتراضات، هفته گذشته نیز شهرهای متعدد سوریه شاهد تظاهرات های بزرگ بر علیه رژیم بود. بر اساس گزارشات منتشر شده روز جمعه ۲۳ سپتامبر در بیش از ۱۰۰ شهر تظاهرات ضد حکومتی برگزار گردید. در این روز نیروهای سرکوبگر ناچار شدند از محوطه ها و محل هایی که تظاهرات برگزار می شود، خارج شوند. این اقدام بنابه توصیه فرماندهی نظامی رژیم اسد و به بهانه "فراهم سازی زمینیه گفتگو و اصلاحات" صورت گرفته بود. نیروهای ارتش در ادامه سرکوبهای وحشیانه، بعد از دو روز محاصره شهر رستن، روز سه شنبه ۲۷ سپتامبر با دهها تانک وارد این شهر شدند. همزمان هلیکوپترهای ارتش و توپخانه سنگین اقدام به بمباران شهر های رستن و حمص که در نزدیکی هم قرار دارند، کرد. شاهدان عینی به خبرنگاران گفته اند که شهر رستن غرق در دود و آتش بوده و تعداد زیادی از مردم کشته و زخمی و دهها نفر دستگیر شده اند. شهر رستن ۴۰ هزار نفر جمعیت دارد و در نزدیکی شهر حمص از مراکز اصلی انقلاب مردم قرار دارد. درتحولی دیگر تعدادی از سربازان و نظامیان جدا شده از ارتش با تشکیل گروههای مقاومت، مبارزات مسلحانه برعلیه نیروهای سرکوبگر ارتش را آغاز کرده اند. روز ۷ مهر یکی از این گروهها اعلام کرد که در منطقه جبل الزاویه در مقابل نیروهای بشار اسد موفقیت هایی داشته، ۸۰ نفر از آنها را کشته و

تعدادی از دانش آموزان زندانی را آزاد کرده است. سیاست وحشیانه و ضد انسانی محاصره شهرها و بمباران و سرکوب مردم، کماکان یک سیاست رژیم است. در ماههای گذشته شهرهای حمص، درعا، بانیاس، جسرالشغور مورد حملات گسترده ارتش و نیروهای سرکوبگر بوده اند. سازمان ملل هفته گذشته اعلام کرد در جریان سرکوب اعتراضات مردم توسط نیروهای نظامی سوریه تاکنون ۲۷۰۰ نفر از جمله ۱۰۰ کودک جان خود را از دست داده اند. اما بطور واقعی آمار و ارقام کشته ها و زخمی شدگان بدست نیروهای رژیم، بیشتر از اینها است. براساس گزارشات سازمانهای مستقل حقوق بشر و فعالین انقلاب مردم که در مرزهای اردن، لبنان و ترکیه مستقر هستند، تعداد کشته شدگان بیش از ۳۰۰۰ نفر می باشد. براساس همین گزارشات هزاران نفر زخمی، بیش از ۱۶ هزار نفر دستگیر شده و صدها هزار نفر از مردم در شهرهایی که نامبرده شد، از زندگی و خانه هایشان آواره گشته اند. با وجود سرکوب های وحشیانه حکومت سوریه، کشورهای اروپایی درخواست قبلی خود برای "تحریم فوری" دولت بشار اسد در چارچوب یک قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را کنار گذاشته اند. روز سه شنبه ۲۷ سپتامبر پیش نویس قطعنامه دیگری که توسط بریتانیا، فرانسه، آلمان و پرتغال و با حمایت آمریکا تهیه شده است، به شورای امنیت سازمان ملل ارائه شد. در قطعنامه جدید آمده است: "شورای امنیت فقط در صورتی مساله تحریم را مطرح می کند که سرکوب معترضان پایان نیابد". در ادامه پیش نویس قطعنامه جدید این کشورها تاکید شده است که "۱۵ عضو شورای امنیت" عزم خود را بیان می کنند که در صورت عدم اطاعت سوریه از این قطعنامه، تدابیر هدفمند از جمله تحریم ها را اتخاذ کنند. این عقب نشینی را می توان ناشی از فشارها و توافقات جمهوری اسلامی و موفقیت دیپلماتیک رژیم اسد در ادامه سرکوب ها دانست. اکثر کشورهای اروپایی در باره اوضاع سوریه مواضع متناقض و بخشا آمیخته با سکوت دارند. مشاور بشار اسد روز ۶ مهر در مصاحبه با بی بی سی خبر از تشکیل کمیته ای برای تعدیل یا تغییر قانون اساسی داد و

برگزاری انتخابات پارلمانی در زمستان امسال داد. او ادعا کرد اصلاحات عظیمی در شش ماه گذشته در سوریه انجام شده که هیچ کس در خواب نمی تواند تصور کند. این اظهارات و وعده ها را می توان نشانه قدرت جنبش انقلابی مردم و تلاش حکومت سوریه برای شکاف انداختن در میان نیروهای مختلف اپوزیسیون دانست.

یمن: بازگشت دیکتاتور و ادامه اعتراضات!

در طول هفته گذشته تظاهرات های گسترده و یخشا درگیری میان مخالفان و موافقان رژیم صالح در یمن اوج گرفت. روز یکشنبه ۲۵ سپتامبر صالح دیکتاتور یمن به این کشور بازگشت و دوباره وعده اصلاحات داد. در واکنش به سخنرانی او صدها هزار نفر در صنعا پایتخت این کشور بر علیه رژیم دست به تظاهرات زده و خواهان برکناری صالح شدند. نیروهای وفادار به رژیم به روی تظاهر کنندگان آتش گشوده و بیش از ۱۰۰ نفر را کشته و صدها نفر را زخمی کردند. علی عبدالله صالح در سخنرانی اش در تلویزیون دولتی یک بار دیگر تاکید کرد که از قدرت کناره گیری نخواهد کرد. وی خواهان برگزاری انتخابات پیش از موعود شده و ادعا کرد که بزودی "مشکلات" حل خواهد شد. در ادامه اعتراضات جاری، روز چهارشنبه ۲۸ سپتامبر دهها هزارتن در صنعا دست به تظاهرات زده و خواهان برکناری صالح شدند. از زمان آغاز اعتراض ها در یمن در ژانویه گذشته، بیش از ۴۰۰ نفر کشته و هزاران نفر زخمی شده اند.

بحرین: انتخابات حکومتی و ادامه تظاهر آنها!

روز یکشنبه ۲۵ سپتامبر روز انتخابات میانرده ای مجلس رژیم آل خلیفه بود. سازمانها و گروههای معترض قبلا با پخش فراخوانها و اطلاعیه هایی از مردم خواسته بودند که این انتخابات را تحریم نمایند. "ائتلاف جوانان ۴ فوریه" و شماری از گروههای معترض از جمله این سازمانها بودند. براساس گزارشات چند ساعت قبل از آغاز رسمی انتخابات هزاران نفر از مردم در میدان مروارید منامه پایتخت بحرین دست به تظاهرات بر علیه رژیم زدند. نیروهای پلیس به این تظاهرات حمله کرده و تعدادی را زخمی و دستگیر کردند. اعتراضات تا آخر روز یکشنبه در منامه ادامه

داشت. بنابریک خبر دیگر محاکمه دستگیرشدگان اعتراضات چند ماه گذشته ادامه دارد. روز چهارشنبه ۲۸ سپتامبر ۲۱ نفر از فعالان و معترضان به اتهام "اقدام برعلیه امنیت ملی" محاکمه و به زندانهای طولانی محکوم شدند.

لیبی: جنایات بیشتری از رژیم قذافی بر ملا می شود!

اوایل این هفته مقامات دولت انتقالی لیبی در طرابلس اعلام کردند که یک گورستان جمعی در این شهر پیدا کرده اند. این گورستان در نزدیکی زندان ابوسلیم در شهر طرابلس کشف شده و در آن حدود ۱۲۷۰ جسد وجود دارد. به گزارش سازمانهای حقوق بشر و مقامات

ما تصویر گر جلا نیستیم...

مدعی شد ۱۵ هزار نفر در این مراسم شرکت کردند و ابراز شادمانی کردند. و همین مبنایی شد که همه مردم از سوی "کارشناسان" که مترصد این هستند که ثابت کنند که ما مردم لایق هیچمین حکومتی هستیم به سخن در آیند و بیشتر از آنکه قتل عمد دولتی یعنی اعدام را محکوم کنند ما مردم را به محاکمه بکشند و متهم مان کنند که به جلاذ تصویر دادیم اصلا تصویر خود جلاذیم! بر فرض که خبر فارس صحیح بوده و همه جمعیت ادعا شده در محل حضور داشتند و همه آن ۱۵ هزار نفر همه شادمان بودند. اما چرا این سبب شده است که جلاذ یعنی حکومت بی گناه جلوه داده شود و توده مردم وحشی و بی ترحم؟ در اینجا خیلی راحت یک حکومت قاتل و جانی بی تقصیر جلوه داده میشود چون گویا ما مردم خواستار "نمایش اعدام" هستیم. و برای پایان این نمایش گفته شد: "... رها ساختن مردم از نمایش اما به واسطی بخشایش و بخشودگی ممکن است عملی شود، بخشایش اکنون بنیان سوئکتیویست جمعی ماست، نه بخشش خصوصی که بخشایش در عمیقترین و مردمیترین شکل اش اساس بر هم زدن نمایش است." (سایت گویا- سامان شجاعی) اعدام که يك عمل آگاهانه و سازماندهی شده از سوی يك دولت معین (و در اینجا جمهوری اسلامی) برای ایجاد رعب و وحشت اجرا میگردد و به آن رنگ قانون هم زده اند تا این قتل بی رحمانه را

دولتی این اجساد مربوط به کشتار سال ۱۹۹۶ میلادی است. در این سال به دنبال اعتراضات گسترده برعلیه رژیم قذافی، هزاران نفر دستگیر شده بودند. حدود ۲۰۰۰ نفر از دستگیرشدگان در محوطه و اطراف زندان مخوف ابوسلیم توسط نیروهای قذافی قتل عام شده و در این گور دسته جمعی دفن شده اند. در همین حال بنابر اخبار و گزارشات درگیریهایی نیروهای وفادار به قذافی دیکتاتورفراری لیبی در اطراف شهر سرت و بانی ولید ادامه دارد. نیروهای مخالف موفق شده اند وارد شهر سرت شوند و نقاط کلیدی را به تصرف در آورند. *

از صفحه ۵

توجیه داشته باشند اما از سوی این کارشناسان به گونه ای جلوه داده شده که گویا ما مردم بخشش نداریم و خواستار قتل هستیم. واقعیت اما اینگونه نیست. این حکومت از ابتدای تولدش ابزار اصلی حاکمیت اش اعدام بوده و هنوز هم به شدت به آن متکی است و یک روز هم نمی تواند بدون آن سر کند. در حالی در پشت بام مدرسه رفاه سران حکومت پیشین قتل و عام شدند که سران حکومت فعلی در طبقات پایین آن نماز شکر میگذارند. این شروعی بود که با قتل و عامهای دهه ۶۰ و بخصوص سال ۶۷ به اوج خود رسید. اما نه اینکه خاتمه یافت. اعدام همیشه ادامه داشته است چرا که ابزار اصلی جمهوری اسلامی برای سرکوب مردم بوده است. اعدام در زندانها را کافی ندانستند آنرا به سطح خیابانها کشانند.

حکومتی رسماً جلو چشم هزاران نفر بلکه میلیونها نفر (از طریق تلویزیون) رسماً دست به قتل میزند. اما جالب است مردمی که قربانی این وضعیت هستند محکوم میشوند که تصویر گر جلاذ هستند. این مفسران با وجدان یادشان نیست که در قتل دل آرا دارایی چه صف معترض و محکمی از همین مردم علیه اعدام شکل گرفت. چرا هیچکدام از اینها به یاد نمی آورند همین مردم هیچگاه قتل شهلا چاهد را نپذیرفتند، چرا کسی از مرگ بی رحمانه فطمه حقیقت پژوه یاد نمی کند که با شقاوت تمام به دار کشیده

صفحه ۷

ملک عبدالله هم جام زهر ...

از صفحه ۱

سهیلا شریفی



شورا دخالت کرده و حق رای دادن و انتخاب شدن داشته باشند. در فرمان ملوکانه ملک عبدالله آمده است "از آنجائیکه ما طبق قوانین شریعت نمی خواهیم زنان را در همه عرصه های جامعه به حاشیه برانیم، بعد از مشورت با علمای ارشد تصمیم گرفته ایم از دور بعدی انتخابات زنان را بعنوان عضو درگیر موضوعات جامعه کنیم". تا همین جا این فرمان خلیفه را متعجب ساخته است. بعضی از رسانه ها به انگیزه شناسی این تصمیم ناگهانی پرداخته اند، بعضیها می گویند ملک عبدالله ممکن است بزودی بمیرد و خیال دارد میراث خوبی از خودش بجا بگذارد، دیگران معتقدند او از همان اول پادشاهی از دیگران لیبرال تر بوده و سعی کرده است قوانین حک شده در سنگ این کشور را تغییر دهد. یادمان می آید که چند سال پیش این پادشاه خوش قلب از دست ملاها و مفتی های مرتجعش عصبانی شده بود که دو دختر جوان را که مورد تجاوز قرار گرفته بودند محکوم به شلاق کرده بودند چرا که در جایی با مردان متجاوزان تنها بوده اند. عکس چند سال پیش ملک عبد الله که با تعدادی از زنان چادری گرفته است را بعنوان اثبات رادیکال بودن او از آرشیوها در آوردند و روی سایتها گذاشتند

با وجود همه اینها واقعیات سرسخت تر و جامد تر از آن هستند که حتی دست راستی ترین رسانه ها هم بتوانند آنها را پشت گوش بیاندازند. اخبار مبارزات زنان عربستان الان مدتهاست که از مرزهای این کشور عبور کرده و توجه جهانیان را بخود جلب کرده است. ویدیوهای رانندگی زنان روی سایتها مختلف بینندگان زیادی را جلب کرده است. خبر شلاق زدن یک زن بخاطر رانندگی دقیقا دو روز بعد از اعلام فرمان حق رای به زنان بار دیگر سرها را به طرف این کشور و آنچه بر زنان آن می رود برگرداند. (البته آخرین خبرها حاکی است که ملک عبد الله این حکم را هم لغو کرده است!) ترس از این مبارزات و اعتراض جهانی به

حق رای زنان تاثیرات انکار ناپذیری در تغییر افکار عمومی جامعه در قبال مسئله زن و بدست آوردن حقوق بیشتری برای زنان داشته اند. انقلاب کارگری اکتبر و برسمیت شناختن برابری زن و مرد در کشور شوراها در تقویت مبارزات زنان برای بدست آوردن حقوق برابر در کشورهای دیگر دنیا نقش بسزائی داشته است. حتی در کشورهایی مانند کویت و بحرین هم زنان حق رای گرفته اند. حالا زنان عربستان در قرن بیست و یکم باید برای ابتدائی ترین حقوق انسانی خود مثل رانندگی یا رای دادن بجنگند و شلاق بخورند و دنیا را به کمک بطلبند و انقلابات منطقه باید اندام حکومتهای مرتجع را به رعشه بیاندازد که پادشاهان مرتجعی مانند ملک عبدالله بخود بیایند و ناچار به فرم (آتم) بسیار نیم بند و با هزار اما و اگر شوند که تازه چهار سال بعد قرار است به اجرا در آید. بدون تردید نفوذ ارتجاع اسلامی در بافت عمومی جامعه و دیکتاتوری خشن و عریان تنها دلایلی نیستند که به دولت عربستان اجازه می دهند در قرن بیست و یکم چنین فرودستی و بی حقوقی مطلق را به زنان این کشور تحمیل کنند. فاکتورهای فراکشوری شرمناکه چشمشان را بر سرکوب و حشیانه زنان عربستان می بندند و سران مرتجع آن خوش و بش می کنند و پولهای بسیار عظیم و کلان از نفتهای بی پایان این کشور به جیب می زنند نقشی غیر قابل انکار در تداوم و بازتولید این شرایط غیر انسانی داشته است. تا همین چند وقت پیش که با استفاده از اینترنت زنان عربستان توانستند صدای اعتراضشان را به خارج از کشور برسانند و به یمن انقلابات منطقه گوشهای شنوا برای شنیدن این صدا پیدا شد، دولت های غربی توانسته بودند در کمال خونسردی جنایات دوستان پولدارشان در عربستان را از چشم و گوش مردم دنیا مخفی کرده و به روی مبارکشان هم نمی آوردند که دارند با چه دیناسورهائی هم پیاله می شوند. می توان خوش بین بود و این دستاورد جدید را نقطه پرشی برای بدست آوردن حقوق بیشتر برای زنان در عربستان دید. تاریخا برسمیت شناختن حق رای برای زنان به معنی

برسمت شناختن آنان بعنوان شهروندان جامعه و در نتیجه برسمیت شناختن حقوق برابر برای آنها تداعی شده است. به این معنی حق رای یکی از پایه ای ترین حقوق زنان تعبیر شده و این امید وجود دارد که در عربستان هم این حق پایه و مبنائی شود برای بدست آوردن و متحقق کردن خواسته ها و مطالبات دیگر زنان. تا همین الان هم می بینیم که بعد از این فرمان ملک عبد الله ناچار شده است حکم شلاق زدن زن راننده را هم پس بگیرد. می توان گفت سیر پیشروی زنان به

ما تصویر گر جلاذ نیستیم ...

شد و یا از قتل دو برادر فتحی در اصفهان یاد نمیشود که مراسم تشییع جنازه آنها به مراسم ضد اعدام تبدیل شد؟ چرا ایشان از پایین کشیدن محکوم به اعدام در شهر بافق کرمان توسط مردم یادی نمی کنند؟ و سعی نمی کنند اینها را نشانه تصویر مردم جلوه دهند و آنوقت ادعای یک خبرگزاری منفور حکومتی را ملاک قرار میدهند که مدعی شده ۱۵ هزار نفر در آن شرکت داشتند؟ گیرم که اینگونه بوده باشد باید از این کارشناسان محترم پرسید شما خود کجا و به صراحت نفس اعدام را محکوم کردید که انتظار دارید مردمی به تماشای اعدام نروند؟ ... اعدام علیرضا از آن روی که هنوز به سن قانونی نرسیده بود محکوم شده و محکومیت کلی امر اعدام در ایران نیز یک بار دیگر یادآوری شده است،... (سامان شجاعی) محکومیت کلی امراعدام از سوی کی و کجا یک بار دیگر یادآوری شده است؟ به عنوان نمونه خانم عبادی اعدام علیرضا را محکوم کردند که چون مطابق کنوانسیونهای بین المللی اعدام زیر ۱۸ سال ممنوع است و اما ایشان در مورد نفس اعدام ساکت هستند و زمانی هم که صحبتی داشتند برای موارد مهم ضروری دانستند. خود همین مفسر که از ایشان نقل و قول آوردیم اعدام را به قصاص ربط میدهد. قصاص را می پذیرد. وقتی کسی اعدام میشود این جنایت را نتیجه نبخشیدن ما مردم میدانند نه یک قانون ضد بشری اسلامی و از همانجا به این میرسد که ما مردم بخشش نداریم! ما مردم

یک معنی شروع شده است. نفس اینکه زنان متوجه این نکته شده اند که فعالیتها و تلاشهای پیگیرشان می تواند نتیجه بخش باشد خود امید بخش است و انتظار می رود که زنان به مبارزاتشان با عزمی راسخ تر ادامه دهند. اما در این شکی نیست که برای رسیدن به برابری کامل و ساختن دنیائی برابر باید از شر رژیمهای ارتجاعی و دیناسوری مانند رژیم پادشاهی و اسلامی عربستان برای همیشه رها شد.*

از صفحه ۶

عجب گرفتاری داریم از سویی در چنگال حکومتی بی رحم اسیر شده ایم و به شدت قتل و عام میشویم و از سوی دیگر محکوم میشویم چرا اسیر این حکومتیم؟ "خلاق هر چه لایق! ولی حقیقت این نیست، این لیاقت ما نیست. ما مردم بارها ثابت کرده ایم و برای آن هزاران هزار اعدامی داده ایم که این حکومت را نمی خواهیم. ما مردمی هستیم که لغو اعدام جز خواسته اصلی مان است و برای آن تلاش کرده ایم و میکنیم.

ما کسی را نمی بخشیم! "بخشایش اکنون بنیان سوؤکتیویته جمعی ما نیست! در عین حال روی دیگر نبخشیدن اعدام نیست. بخشش وقتی به کار می آید که عملی را قبول کرده باشیم ما اعدام و قصاص را عمل جنایت کارانه میدانیم برای همین محکوم میدانیم و به همین دلیل "بخشش" را هم قبول نداریم. باید سران این حکومت به خاطر سی سال جنایت محاکمه شوند هیچ گذشتی در کار نیست و اما همین ما مردم که سی و دو سال از این حکومت زخم خورده ایم خواستار این نیستیم که کسانی پیدا شوند و طناب بر گردن آنها بینندازند. ما میخواهیم این عمل ننگین و ضد بشری توسط ما به پایان برسد. ما میخواهیم همه گره هایی که بر طنابها جهت اعدام انداخته شده است باز کنیم. ما ثابت کردیم ما تصویرگر جلاذ نیستیم ما تصویر همه زیباییهای جهانیم؛ این را تاریخ جنبش ما ثابت کرده است.*

زنده باد سوسیالیسم!

۵ نوامبر روز اعتراضی سراسری علیه احکام سنگین برای کارگران زندانی و فعالین سیاسی در ایران و برای آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

جهانی کار آی او اخراج شود.
"کمپین برای آزادی کارگران زندانی"
۲۹ سپتامبر ۲۰۱۱
Free Them Now!
(Campaign to Free Jailed Workers in Iran)
<http://free-them-now.blogspot.com/>

شهبلا دانشفر
00447779898968

بهرام سروش
0044-7852 338334

صدور احکام سنگین و جنایتکارانه برای فعالین کارگری و فعالین معترض در عرصه های مختلف اجتماعی در ایران را می بایست با اعتراضی جهانی پاسخ داد. روز ۵ نوامبر با برپایی آکسیونهای اعتراضی قدرتمند خود در سراسر جهان اعتراض خود را علیه احکام سنگین زندان برای کارگران و فعالین سیاسی در ایران اعلام کنیم و خواهان آزادی فوری و بدون قید و

به همه سازمانهای کارگری و انساندوست در سراسر جهان ۵ نوامبر روز اعتراضی سراسری علیه احکام سنگین برای کارگران زندانی و فعالین سیاسی در ایران و برای آزادی کارگران زندانی و

همه زندانیان سیاسی از زندان

به حرکت اعتراضی ما در این روز پیوندید

برای کارگران و فعالین سیاسی باید لغو شود و تمامی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند. جای چنین رژیمی در سازمان جهانی کار "آی او" نیست. ما انتظار بیشترین حمایت را از سازمانهای کارگری و تمامی سازمانهای انساندوست در سراسر جهان داریم و از شما میخواهیم به حرکت اعتراضی ما در این روز پیوندید و به هر شکلی که میتوانید از کارگران زندانی در ایران پشتیبانی کنید.

"کمپین برای آزادی کارگران زندانی"
۲۹ سپتامبر ۲۰۱۱

Free Them Now!
(Campaign to Free Jailed Workers in Iran)
<http://free-them-now.blogspot.com/>
Email:
info.free.them.now@gmail.com



انسانهای آزادیخواه تبریک میگوییم همه کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های قضایی تشکیل شده برای فعالین کارگری و همه فعالین سیاسی باید فوراً لغو شود. فشار و تهدید بر روی فعالین کارگری باید متوقف شد. کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۵ مهر ۱۳۹۰، ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۱

مانظور که در جریان هستید جمهوری اسلامی اخیراً احکام سنگین زندان برای فعالین کارگری صادر کرده است. صدور احکام سنگین و جنایتکارانه زندان برای فعالین کارگری و فعالین معترض در عرصه های مختلف اجتماعی در ایران را می بایست با اعتراضی جهانی پاسخ داد

در اعتراض به این سرکوب ها و برای آزادی کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی همراه با تعدادی از سازمانها و نهادهای مدافع حقوق کارگران و زندانیان سیاسی روز شنبه ۵ نوامبر را با میتینگ های اعتراضی خود در سراسر جهان، به روز همبستگی بین المللی با کارگران ایران تبدیل کنیم!

احکام صادر شده برای کارگران زندانی و فعالین سیاسی باید لغو شود، پرونده های قضایی تشکیل شده

کوروش بخشنده از زندان آزاد شد

بنا به خبر منتشر شده از سوی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری کوروش بخشنده از فعالین کارگری در شهر سنندج و عضو این کمیته که به مدت ۲۲ روز در اطلاعات سنندج در بازداشت بود در تاریخ ۲۷ شهریور با قرار وثیقه ۷۰ میلیون تومانی آزاد شد.

به مناسبت آزادی جمعی از طرف کمیته هماهنگی و جمعی از فعالین کارگری در شهر سنندج مراسمی برگزار گردید و حاضرین با حلقه های گل از کوروش بخشنده استقبال کردند.

آزادی کوروش بخشنده را به او، به خانواده و بستگانش و به همه

فعالین کارگری شهر سنندج به بازداشتگاه اطلاعات سنندج انتقال داده شده است و علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه نیز با یکسال حکم زندان برای اجرای حکم خود احضار گردیده است. همچنین داود رضوی از اعضای هیات مدیره سندیکای واحد به دادگاه احضار شده است و منصور اسانلو را نیز پس از ۴ سال زندان، در حالیکه در وضعیت جسمی وخیمی قرار دارد تحت عنوان مرخصی از زندان آزاد کردند تا چماق زندان و دستگیر همچنان بر روی سرش باشد.

جمهوری اسلامی با این یورش در واقع تشکلهایی که با تلاش خود کارگران شکل گرفته است را زیر حمله گرفته است تا مانع سازمانیابی مبارزات کارگران شود. صدور چنین احکام سنگین و جنایتکارانه ای برای کارگران و چنین یورش گسترده ای به فعالین کارگری و فعالین معترض در عرصه مختلف اجتماعی در ایران را می بایست با اعتراضی جهانی پاسخ داد.

ما از همه سازمانهای کارگری در سراسر جهان میخواهیم که با حمایت و پشتیبانی وسیع خود از این کارزار ما را در پیشبرد این خواستهای اضطراری و آزادی فوری کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران یاری رسانند. با نوشتن نامه های اعتراضی به جمهوری اسلامی و محکوم کردن صدور احکام سنگین برای فعالین کارگری و خواست آزادی فوری کارگران زندانی و زندانیان سیاسی از زندان ما را در این کارزار همراهی کنید.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲۰ سپتامبر ۲۰۱۱

اعلام کمپین در اعتراض به تشدید فشار بر فعالین کارگری و صدور احکام سنگین برای آنان

شاهرخ زمانی ۱۱ سال حکم زندان گرفته است.

در هفته های اخیر فشار بر روی فعالین کارگری در ایران شدت بیشتری یافته است. جمهوری اسلامی با صدور احکام سنگین زندان برای فعالین کارگری و فعالین عرصه های مختلف اجتماعی در ایران تلاش دارد، جنبش اعتراضی کارگری و مبارزات مردم را عقب بزند. از جمله رژیم اسلامی در ۱۸ اوت در شهر تبریز سه نفر از فعالین کارگری و دو نفر از فعالین دانشجویی را دادگاهی کرده و تحت عنوان تشکیل گروههای مخالف حکومت و تبلیغ علیه نظام برای آنها احکام سنگینی صادر کرده است. یکی از این کارگران شاهرخ زمانی کارگر ساختمانی عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری است که به یازده سال حبس تعزیری محکوم شده است. محمد جراحی کارگر زندانی دیگری است که در همین دادگاه ۵ سال حکم زندان گرفته است و برای دو دانشجوی دیگر نیما پوریعقوب و ساسان واهی و ش به ترتیب ۵ سال و شش ماه حکم داده شده است. ۱۱ سال حکم زندان به یک فعال کارگری به خاطر مبارزاتش برای متشکل شدن و برای خواستهای برحقش هشدار دهنده است و اقدامی اضطراری را می طلبد.

همچنین رژیم اسلامی در همین روزها در جریان اعتراضات کارگران آهنگری ترانکتورسازی تبریز در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده شان، در اقدامی جنایتکارانه تعدادی از کارگران اعتصابی را دستگیر کرد. آنها را در سلولهای انفرادی نگاهداشت. در هفته های اخیر کوروش بخشنده از

Free jailed workers in Iran

Mansoor Ossanlou
Ebrahim Madadi
Mohammad Jarahi
Reza Shahabi
Behnam Ebrahim-zadeh
Shahrokh Zamani
Seyed Boyok Sidlar

Shahrokh Zamani
Mohammad Jarahi
Ebrahim Madadi
Reza Shahabi
Behnam Ebrahim-zadeh
Mansoor Ossanlou

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

زنده باد انقلاب مصر...

از صفحه ۱



۲۰۱۰ روی میدهد. مبارزاتی که در سال ۲۰۱۰ علیرغم قدر قدرتی رژیم مبارک و سرکوب وحشیانه کارگران و خانواده‌هایشان از یک سوء و کمبودهای اساسی جنبش، ضعف تشکلیهای کارگری و رهبری سیاسی از سوی دیگر رژیم مبارک را علیرغم حمایت بی قید و شرط سیاسی و کمکهای دست و دل بازانه مالی از سوی سرمایه‌داری غرب که بخش بزرگی از مخارج دستگاه عظیم سرکوب مبارک تامین میکرد، رژیم مبارک این هیولای آدم خور را مستاصل کرده بود. در سال ۲۰۱۰ ملیونها کارگر مصری یا در اعتصابها برای شرایط بهتر محیط کار و دستمزد بهتر اعتصاب کرده بودند یا در تحصن‌های اعتراضی گسترده و پر شکوه شریک شده بودند.

اما آنچه که کارگران و زحمتکشان مصر را کمی بیش از ۹ ماه قبل یک بار دیگر به رویارویی مستقیم با دستگاه هراس انگیز سرکوب و زندان و شکنجه مبارک، این بار هم مانند گذشته به کوچه پس کوچهای خاک آلوده شبرا و از آنجا به تحریر کشانیده بود، نان بود که که البته نه چندان اتفاقی در لهجه مصری، آنرا "زندگی" می نامند. کارگران مصر از سال ۲۰۰۵ تا به امروز برای نان مبارزه کرده اند و این مبارزه اختیاری نیست، اجباری است. گرسنگی این شرایطی که اکثریت قریب به اتفاق جمعیت مصر را به آن محکوم کرده اند آن انگیزه اصلی ای است که کارگران مصر را در شبرای قاهره، در اسکندریه، منصوره، اسیوط و بور سعید به خیابان ها میکشد و وحشیگری دستگاه هیولای سرکوب، زندان و شکنجه و کشتار و تحقیر را به سخره میکرد.

اما اگر هفته‌های شور انگیز اشغال میدان تحریر و جنبش یکپارچه همه مصر بر علیه مبارک منفور، متاثر از فضای انقلابی سراسر خاور میانه و شمال آفریقا و گرد و غباری که این خیزش شکوهمند میلیونی ایجاد کرده بود موقتا تعیین کننده ترین خواسته‌های انقلاب را از انظار پنهان کرده بود اما این هنوز انقلاب نان و البته آزادی و کرامت انسانی بود. نان هنوز انگیزه انقلاب بود و آزادی نه یک مطالبه لوکس، بلکه لازمه تحقق خواسته اصلی انقلاب میلیونی کارگران گرسنه بوده است. ۱۲ فوریه ۲۰۱۱ برای تمام نیروهای سیاسی و

صحنه پیشین رضایت بدهند. این انقلاب نان و آزادی بود. این انقلاب کرامت انسانی بود. این صحنه ای بود که کارگران مصر به حریف تحمیل میکردند و قواعد و مقررات بازی را نیز خودشان تعریف و تبیین میکردند. در هفته‌های اخیر ۱۰۰ها هزار کارگر صنایع، کارگران بندر، رانندگان وسایط نقلیه عمومی، معلمین، دانش آموزان، پزشکان و پرسنل بهداشت در سراسر مصر دست به اعتصاب، تظاهرات و تحصن زده اند. همه مصر، همه نیروی کار و زحمت و فقر و گرسنگی بار دیگر به سمت تحریری دیگر میروند. قوانین فوقالعاده حاکمان نظامی را، قانون ممنوعیت اعتصاب را، تهدید و زندان و سرکوب را و عاملین آن، نظام حاکم را، حاکمین نظامی حافظ نظام استثمار وحشیانه، نظام گرسنگی دادن مزمن به میلیونها مصری، فقر و فحشا و بیحقوقی مطلق، نظام مرده شور برده سرمایه داری را به چالش گرفته اند. خواهتهایی که گرد و خاک تحریر اول را به خود گرفته بودند بار دیگر با پلاکاردها، بر بدنه اتوبوس ها، بر زبانها و بر ضمیر انسانها پر رنگ و شفاف ظاهر میشوند. نان، آزادی، انسانیت! معلمین مصری همان جا که می گویند به کمتر از ۲۰۰۰ در صد افزایش حقوق رضایت نخواهند داد، می گویند این را به شرطی قبول میکنند که وزیر علوم هم برکنار شود. معلمین مصری، آن صدها هزار کارگر اعتصابی اما یک خواهسته دیگر هم دارند. این خواهسته هر روز پر رنگ تر، شفاف تر و همه گیر تر از روز قبل توده‌های مردم مبارز را به میدان تحریر و تحریر فروم میخواند. مردم مصر طالب سرنگونی حاکمان نظامی هستند. فردا جمعه ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۱ اولین تظاهرات کارگری در میدان گیزه با شعار مرگ بر حکومت نظامیان برگزار خواهد شد. این شعار را به خاطر داشته باشید! ما شعار "یسقط، یسقط، یسقط حکم العسکر" (سرنگون باد حکومت نظامیان) را از تمام کارخانه ها، کارگاه ها، مدارس و دانشگاه ها خواهیم شنید. کارگران مصر با روشنی و شفافیت روز افزون قدرت سیاسی را هدف گرفته اند و خود را برای آن متشکل و آماده میکنند. زنده باد انقلاب مصر! زنده باد حکومت کارگری! تعیش الثورة!

انقلاب پایان نیافته است!

از صفحه ۱



مصر، نسل جوان، نسلی - که برای بورژوازی مصر هیچ چیز نبود جز بخش اصلی ارتش ذخیره بیکاران - در کنار و همراه با میلیونها کارگر علیه طبقه حاکم دست به انقلاب زدند. این انقلابی علیه نظم حاکم بود. اکثریت عظیم مردم مصر، از حرمت و انسانیت و رفاه و آزادی محروم بودند و این اکثریت برای نان و آزادی و حرمت انسانی بپا خاستند. این انقلابی بود برای باز گرداندن حرمت و اختیار و آزادی به این اکثریت له شده. آن لحظه ای که طوفان انقلاب، حسنی مبارک را مثل کف دریا به حاشیه شرم الشیخ راند، مصر غرق شادی شد. اما کدام مصر؟ مصر کارگران، مصر جوانان بیکار، مصر زاعه نشینان، مصر بی خانمانها، مصر گرسنگان، مصر کودکان کار، مصر زندانیان سیاسی، مصر زنان تحقیر شده در زیر سلطه فرهنگ مردسالارانه. مصر طبقات محروم و ستمکش، مصر میلیونها جوان تحقیر شده حق داشت با رفتن مبارک غرق شادی شود چراکه مبارک، تجسم سیاسی چند دهه فقر و خفقان و تحقیر بود. مبارک سمبل سیاسی محرومیت از نان و آزادی و حرمت انسانی بود. اما با سقوط مبارک، مصر فقط غرق شادی نشد. مصر در عین حال ماتم زده شد. اما کدام مصر؟ مصر طبقه بورژوا، مصر دزدان اقتصادی، مصر سرکوبگران سیاسی، مصر شکنجه گران. مصر وزرا و وکلا و سرکردگان نظامی و امنیتی و پلیسی. و در یک کلام مصر بورژوازی، مصر ارتجاع سیاسی، مصر گذشته. دول غرب، در این میان، هم در مراسم شادی انقلاب شرکت کردند وهم در مراسم عزای ضد انقلاب. شادیشان ریاکارانه بود. اشکشان صمیمانه. همراه انقلاب شادی کردند تا هر چه زودتر به انقلاب پایان دهند. همراه ضد انقلاب اشک ریختند تا هر چه زودتر ضد انقلاب را نجات دهند. ساقط کردن مبارک یک پیشروی بزرگ برای انقلاب بود. انقلاب توانسته بود شخص قدرتمند نظام کهنه را به پایین بکشد و با این کارش قدرت خود را نشان داده

بود. اما این فقط یک گام بود. گام اول بود. با سقوط مبارک فقط دریچه ای برای نان و آزادی و حرمت انسانی باز شده بود. شهادت حرفه ای بورژوازی مصر در معیت شهادت حرفه ای تر بورژوازی غرب دست بدست هم دادند تا سقوط مبارک را همه هدف انقلاب جا برند. اما آنان که برای نان و حرمت و آزادی بپا خواسته بودند نمیتوانستند با رفتن مبارک به خانه برگردند. مردم برای وضع موجود بدون مبارک انقلاب نکرده بودند. مردم برای تغییر نظم حاکم بپا خاسته بودند. مبارک رفته است اما طبقه کارگر، آن اکثریت عظیم که در مرکز تحقیر و فقر و بیحرمتی نظام حاکم بود و هست، نه تنها میدان را ترک نکرده است بلکه با وسعت بیشتر و قدرت بیشتر و رادیکالیسم بیشتر به میدان آمده است. امروز قلب انقلاب مصر در میان طبقه کارگر میطپد. موج اعتصابات سراسر مصر را فراگرفته است. فقط در ماه گذشته، مصر شاهد ۶۵ اعتصاب مهم کارگری بود. اعتصاباتی که همچنان گسترش پیدا میکنند. اعتصاب معلمان، کارگران حمل و نقل عمومی، کارگران پست، کارگران نساجی، پزشکان و پرستاران و تکنولوژیستهای آزمایشگاهها و دهها اعتصاب بزرگ و کوچک دیگر مصر را فراگرفته است. خواهسته این کارگران فقط صنفی نیست. فقط افزایش دستمزد نیست. فقط حفاظت کارگران در مقابل خطرات ناشی از کار نیست. فقط بیمه بیکاری نیست. فقط بیمه درمان نیست. که اگر فقط همین ها هم بود خود یک خواسته بحق و عادلانه و حیاتی برای طبقه کارگر است. کارگران، علاوه بر این خواهسته های بحق اقتصادی، به فساد اداری حاکم معترضند؛ خواهان اخراج مدیران فاسد و دزدان بازمانده از نظام سابق هستند؛ خواهان دخالت مستقیم خود کارگران در اداره موسسات و کارخانه و محلهای کار هستند؛ خواهان اخراج وزیر علوم هستند، خواهان برکناری وزیر امور داخله هستند. زمانی میدان تحریر قلب طپنده انقلاب مصر بود. هفته گذشته، کارگران مصر به رهبری بیش از ۹۰ تشکل مستقل کارگری - تشکلهایی که دستاورد انقلاب مصر هستند - با حضور فعال رهبران فعال کارگری و جوانان چپ به میدان تحریر روی آوردند و خاطر انقلاب را زنده کردند.

به بهانه سالگرد جنگ هشت ساله ایران و عراق!

محمد شکوهی

در هفته‌های اخیر سران و مقامات جمهوری اسلامی، از خامنه‌ای تا باندهای سرکوبگر وابسته به سپاه، ارتش و بسیج، تا خلیل امامان جماعت، فرماندهان سابق جنگ هشت ساله ایران و عراق، به عبارتی کلیت رژیم اندر باب سالگرد جنگ و "برکات و نعمات جنگ" سخن گفتند. اینها از نبود "روحیه ایثار و شهادت‌عین زمان جنگ" گلایه کرده و با صرف هزینه‌های میلیاردی به صرافت "بازگویی دفاع مقدس شان" برای نسل جوان افتاده‌اند. در همین راستا کاروانهای ساندیش خور و بسیجی و سپاهی در قالب کاروانهای "راهبان نور" برای دیدار از "جبهه‌های جنگ، راه انداخته و به همراه خیل عریه‌ه کشان و نوحه خوانان، روانه مناطق جنگی سابق کرده است. خامنه‌ای و سران رژیم اندر باب ایثار و شهادت در راه اسلام و امامش هر روز به منبر رفته و پیرامون "برکات و نعمات جنگ هشت ساله" برای جمهوری اسلامی سخنرانی می‌کند. درواکنش به این سیاست باند خامنه‌ای، سران و مقامات مغضوب شده، رژیم نظیر رفسنجانی، خاتمی، موسوی، کروبی، شمشخانی و رفیق دوست به همراه فرماندهان ارتش و نیروهای مسلح در آن زمان، شروع به انتشار "ناگفته‌های خود" کرده و روایت خودشان را از "جنگ مقدسشان" بیان میکنند. که بر خلاف روایت خامنه‌ای و دار و دسته‌هایش است و مدعی میشوند که اینها صاحبان و وارثان جنگ هشت ساله و "حماسه مقاومت و ایثار" بوده و طرف مقابل فقط قصد سوء استفاده از این "برکات" و مصادره به نفع باند و دار و دسته اش را دارد و می‌خواهند زیر پای "فرماندهان واقعی جنگ اسلام علیه کفر" را خالی نمایند. و تصویر وارونه از واقعیات این واقعه بدهند. انتشار ناگفته‌ها، تحلیل و ارزیابی باندهای حکومتی از جنگ هشت ساله و "دفاع مقدسشان" کماکان ادامه دارد.

اما جنگ هشت ساله چه بود؟ چه اتفاقاتی افتاد؟ اثرات و تبعات ویرانگر این جنگ چه بود؟

خمینی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ که جنگ شروع شد، گفت "جنگ یک تعمت الهی است و برکات زیادی برای نظام دارد. همه چیز در خدمت جنگ اسلام بر علیه کفر باید به کار گرفته شود."

اسلامی تمام و کمال سرکوب انقلاب را به اجرا گذاشت.

جمهوری اسلامی محصول سرکوبهای دهه ۶۰ است. به بهانه جنگ خطوط تولید کارخانجات عوض شد. اخراج و بی‌کارسازیهایی گسترده آغاز گردید. مالیات و باج و خراج جنگی برای تامین هزینه‌های جنگ رژیم بر مردم تحمیل گردید. هر گونه کار و فعالیت سیاسی و کارگری رسماً به عنوان "خدمت به دشمن خارجی" قلمداد شد. اراذل و اوباش بسیج و حراست، شوراهای اسلامی و انجمن‌های اسلامی را به جان طبقه کارگر و مردم حق طلب انداختند. در جامعه و کارخانه و دانشگاه رسماً حکومت نظامی اعلام کردند. عریه‌ه کشان بسیج و سپاه و انواع و اقسام گله‌های تروریست، از حزب الله گرفته تا شارالله و سربازان گمنام امام زمانشان را برای ایجاد فضا و جو سرکوب، رعب و وحشت در جامعه به خیابانها آوردند. خمینی رسماً اعلام کرد که: "شهادت در جبهه‌های جنگ داخلی به اندازه شهادت در جبهه‌های جنگ پیش خدا ارج و قرب دارد." بدین وسیله و با این سیاست تبلیغاتی صدها هزار آدمکش و جانی را مسلح کرده و به جان مردم انداختند.

برای فراریان از خدمت سربازی حکم اعدام دادند. صدها هزار جوان ناآگاه را با وعده "بهشت و شهادت" بسیج کرده و با انداختن کلید بهشت بر گردنشان، روانه قتلگاههای جبهه‌های جنگ کردند. صدها هزار انسان گوشت دم توپ حکومت شدند. میلیونها نفر آواره گشتند. بیش از صد شهر ویران شد. صدها میلیارد دلار خسارت بر جامعه تحمیل گردید. همه اینها فقط و فقط برای حفظ نظام کثیف جمهوری اسلامی و تثبیت پایه‌های حکومت بود. خود سران و مقامات حکومت بارها اعتراف کرده‌اند که اگر جنگ نبود؛ نظام هم نبود. اصرار خمینی بر ادامه جنگ به هر قیمت فقط تا آنجا لازم بود که حکومت موفق بشود پایه‌هایش را در داخل تثبیت نماید. جنگ و جنون جنگی خمینی و کل حکومت جمهوری اسلامی و بربریت و وحشیگریهایش از سرکوب مردم و انقلاب مردم حد و مرزی را نمی‌شناخت. در سال‌های آخر جنگ و به دنبال فجایع و کشتارهای وحشتناک، مبارزه ضد جنگ و بر علیه جنگ شروع می‌شود. مردم و جوانان دیگر براجتی به جبهه نمی‌روند. سربازگیری اجباری و گره زدن زندگی و نان مردم به

انقلاب پایان نیافته است!

راهپیمایی همین کارگران از میدان تحریر تا ساختمان کابینه، نه تنها به نحوی سمبلیک حاکی از صف آراییی جدید انقلاب در مقابل ضد انقلاب بود، بلکه شعارها و خواسته‌های این تظاهرات یک بیانیه علنی علیه ارتجاع حاکم و یک اعلام علنی ادامه انقلاب بود. این شعارها بر پرچم اعتراض کارگران نقش بسته بود: اعتصاب حق کارگر است، "نه به محاکمه و مجازات کارگران اعتصابی"، "خلع ید از دادگاههای نظامی"، "منع محدودیتهای قانونی علیه اعتصاب از طرف دولت نظامی": این یک دهن کجی آشکار علیه اوباشان نظامی نظام سابق است که به نام انتقال قدرت، مشغول سازماندهی سرکوب طبقه کارگر هستند.

"مرگ بر اتحاد ارتش و سرمایه"، "خلع ید از دولت نظامی حاکم": این یک اعتراض علنی علیه ارتشی است که چهره دوست انقلاب به خود گرفت تا سر انقلاب را ببرد. "نه قانون اساسی، نه انتخابات، زندگی انسانی": این یک کفیر خواست علیه همه جلوه‌های نظم موجود است. اینکه نظم موجود با قانون اساسی اش، با انتخاباتش مغایر با زندگی انسانی است. اینکه زندگی انسانی منوط به رها شدن از کلیت این نظام ضد انسانی است.

"ما مردمیم، ما قانونیم": این شعار باید موثر تر قانونگذاران طبقه حاکم سیخ کند که به نام "بحران اقتصادی" و "منافع ملی"، کارگران اعتصابی را با قانون اضطراری دوره سابق حبس و شکنجه میکنند. و چکیده همه این شعار و خواسته‌ها را در چهار کلمه زیر میتوان دید که قاعدتاً باید صف طبقه حاکم مصر را به ترس و لرز بیاندازد. "انقلاب پایان نیافته است".

آری انقلاب پایان نیافته است.

سیاست‌های اقتصاد جنگی و کوبینی هم نمی‌تواند نیرو برای جبهه‌های جنگ رژیم تامین نماید. در جبهه‌های جنگ اوضاع به ضرر رژیم می‌باشد. در داخل ترس از اوج گیری اعتراضات مردم بر علیه رژیم، حکومت را دچار وحشت کرده است. نهایتاً خمینی در تیرماه سال ۶۷ قطعنامه ۵۹۸ را قبول و جام زهر را سر می‌کشد. با پایان جنگ خارجی جمهوری اسلامی در هراس از بازگشت دوباره اعتراضات مردم و خطری که بالقوه تهدیدش می

از صفحه ۹

انقلاب ادامه دارد. اما با یک تفاوت نسبت به گذشته. اگر دیروز قلب انقلاب فقط در میدان تحریر می‌طپید؛ امروز، انقلاب مصر هزاران قلب طپنده در هزاران محل کار دارد.

این فقط انقلاب مصر نیست که امروز به پیشروی و قدرت گیری این طبقه گره خورده است. پیشروی طبقه کارگر مصر، راه را برای تحرك طبقه کارگر در همه کشورهای منطقه که زیر تعرض انقلاب هستند باز خواهد کرد. ***

در این میان، رفتار سیاسی اخوان المسلمین جالب توجه است. به خاطر بیاروید که این جریان ارتجاعی زمان سر متعفنش را بلند کرد که انقلاب مصر توانسته بود مبارک را به پایین بکشد. و تنها نقشی که از همان موقع داشت این بود که در معاملات سیاسی که از بالای سر انقلاب در جریان بود و هست نقشی برای خودش دست و پا کند. ادامه انقلاب با حضور گسترده و فعال طبقه کارگر، این جریان را هم به سرگیجه انداخته است. شرکت در تظاهرات کارگران را بایکوت میکند و به معاملات کثیفش با شورای نظامی حاکم ادامه میدهد. دلیلش هم روشن است. انقلاب مصر محتوای پیشروی و رادیکال و انسانی دارد. انقلاب مصر برای تغییر است. برای رها شدن از دزدی و فساد و تحقیر و بی حرمتی است. حضور طبقه کارگر این انقلاب را رادیکالتر میکند. و هر قدر انقلاب مصر رادیکالتر شود همانقدر زمین زیر پای هر جریان ارتجاعی خالی تر میشود. به این ترتیب، طبیعتی ترین نقش اخوان المسلمین چیزی جز این نمیتواند باشد که در اتحاد مقدس اوباش متعلق به نظام حاکم و در مقابل پیشروی طبقه کارگر جایی برای خودش دست و پا کند. *

کرد، به فرمان خمینی دست به قتل عام دیگری می‌زند. بدستور خمینی در تابستان سال ۶۷ چند روز بعد از پایان جنگ هزاران زندانی سیاسی در زندانها قتل عام می‌شوند. بعد ها همینهایی که "ناگفته‌های جنگ شان" را روایت می‌کنند، اعتراف می‌کنند که این جنایت رژیم به خاطر روحیه دادن به نیروهای شکست خورده حکومت و زهر چشم گرفتن از مردم بود که مبادا خیال کنند که حکومت ضعیف شده و

صفحه ۱۱

دو سخنرانی در برلین، دو روز پرهیجان علیه مذهب و کلیسا و پاپ



مینا احدی

قطار من با یکساعت و نیم تاخیر به برلین میرسد. قرار است همان روز ساعت هفت عصر در جمع سازمان زنان "شوکو فابریک" سخنرانی کنم. رناته ویت یکی از مسئول این سازمان، در ایستگاه مرکزی قطار منتظر هست و باهم به یک رستوران میرویم و نهار میخوریم. در آنجا رناته از خودش حرف میزند که مادرش روسی بوده و پدرش آلمانی و او از آلمان شرقی میاید و تجارب تلخی در آن سالها داشته است. اسم این موسسه مدافع حقوق زنان کمی عجیب است.

اسم آن کارخانه "شکولات سازی" است. او میگوید چون محل کار ما قبلاً کارخانه شکولات سازی بوده به همین اسم باقی مانده است. این نهاد بیست کارمند دارد و بودجه خود را از سنای برلین و اتحادیه اروپا میگیرد.

ساعت هفت و ربع جلسه را شروع میکنیم. قرار است رناته بخشهایی از کتابم را بخواند و از من سوال کند. همراه با کتاب مروری میکنیم به دوران کودکی من و سپس انقلاب در ایران و بعد روی کار آمدن حکومت اسلامی، اعدامها و جنایات این حکومت و شرایطی که باعث میشود به کردستان بروم، سپس پناهندگی به اروپا و همه مسائلی که در اروپا نیز در رابطه با فعالیتهای جنبش اسلامی مطرح است و بحث انترکراسیون و تشکیل شورای مرکزی اکس مسلم وغیره. همه اینها موضوعات جالبی هستند که باهم مرور میکنیم و جمعیت حاضر در سالن با دقت و با احساس این مباحث را تعقیب میکنند.

بویژه خوشحال شدم که "نجلا کلک" زنی که از ترکیه می آید و اکنون چهره معروفی در آلمان است. او نویسنده و منتقد جنبش اسلامی است. وی هم در این جلسه حضور دارد و در بحثها فعالانه شرکت میکند. در نهایت تقریباً همه معتقد هستیم که باید متحدانه خواهان ممنوعیت حجاب کودکان شویم و در مقابل دست اندازی مذهب به زندگی مردم بایستیم.

در آورده و در میان جمعیت قدم میزنند. آنها به موضوعی مورد توجه مردم و رسانه ها تبدیل شده اند. این دو نفر خود را به این صورت گرم کرده و در بین جمعیت حرکت میکنند و با مردم حرف میزنند. از نازنین برومند میخواهم عکسی از من و این دو نفر بگیرد و از مردی که قیافه کاملاً شبیه هیتلر دارد میخواهم اجازه دهد یک عکس با او بگیرم. او میگوید "سلام خانم احدی" و من با صدای بلند میگویم "ای داد و بیداد هیتلر منو می شناسه" و او میگوید از بنیاد جردانو برونو هستم و شما را از آنجا می شناسم... قیافه آنها خیلی ماهرانه گرم شده است. همه به این موضوع می خندیم... در آغاز میتینگ چندین نفر سخنرانی میکنند. اینقدر جمعیت زیاد است و جای ما دور از محل سخنرانیها به زحمت حرفها را می شنویم. گفته میشود تعداد زیادی از نمایندگان پارلمان به هنگام سخنرانی پاپ در پارلمان جلسه را ترک کرده به این میتینگ پیوسته اند. برای این نمایندگان جمعیت دست میزنند.

اکثر شرکت کنندگان جوان هستند. شعارها و پلاکاردهای جالب و طنز گونه و ایده های بسیار جذاب به این تجمع رنگ و بوی خاصی داده است. راهپیمایی شروع میشود و با موزیک و شادی حدود یکساعت ادامه دارد. مردم در کنار خیابانها با شور و شوق و خوشحالی این جمعیت عظیم را نگاه میکنند. این یک حرکت اعتراضی بزرگ است و پلیس در اطراف تظاهرکنندگان به نظر من با نوعی ترس و وا همه به این جمعیت پانزده هزار نفره زل زده است. در پایان راهپیمایی تجمع اصلی است و همه خیابانهای اطراف میدانی که در آنجا جمع شده ایم همه مملو از جمعیت است. میکاییل اشمیت سالمون دست مرا میگیرد و میگوید: مینا بیا بریم بظرف ماشینی که در بالای آن سخنرانیها انجام میشود. او با انتظارات آنجا صحبت میکند و مرا معرفی میکند و ما وارد این ماشین بزرگ میشویم. بسیار شلوغ است و هر کس مشغول یک کار است.

فیلیمرداری و پخش موزیک و... گرداننده و مودراتور که یک خیرنگار و گوینده رادیو و تلویزیون است، سخنرانان را یکی بعد از دیگری معرفی میکند. اولین نفر که معرفی میشود یک نویسنده همجنسگرایی آلمانی است و سپس میکاییل اشمیت سالمون است که مجله اشپیکل او را "پاپ آنتیست"ها معرفی کرده است.

بر علیه اش قیام کنند. اینها گوشه ای از واقعیات این جنگ کثیف و سرکوبگریهای کل حکومت جمهوری اسلامی است. این مهم است که نسل جوان امروز ایران این واقعیات را بدانند و از زبان شاهدان و بازماندگان تاریخ سی سال گذشته، ابعاد جنایات و بربریت جمهوری اسلامی را بشنوند. "ناگفته های جنگی" سران و پاندهای گوناگون حکومت، از خامنه ای گرفته تا رفسنجانی، موسوی و خاتمی رضایی

بر علیه مقام رژیم، توجیه اسلامی و وقاحت وی شرمی این جانیمان برای ادامه حکومتشان می باشد. توجیه و ماستمالی کردن مسئولیت جنایاتشان در سرکوب انقلاب مردم ایران می باشد. جمهوری اسلامی و تمام سران و مقاماتش در طول این سی سال گذشته مسئول، سازمانده هدایت کننده و به پیش برنده همه این جنایات و به یک معنا نسل کشی می باشند. همه اینها باید دستگیر و به جرم ارتکاب جنایت بر علیه بشریت محاکمه شوند.*



سالمون سخنرانی بسیار جالب و رزمنده ای میکند که بارها با تشویق جمعیت روبرو میشود. او میگوید جای پاپ نه در پارلمان آلمان بلکه در دادگاه بین المللی لاهه است. او در ادامه میگوید مالیاتهای میلیاردی که کلیسا از مردم میگیرد و فربه میشود، به همت موسولینی و هیتلر در این جوامع جا افتاد و قانونی شد. کلیسا همواره همکار فاشیستها و نازیستها بوده است... و بالاخره نوبت من میرسد. مودراتور مرا چنین معرفی میکند: زنی که در زندگیش طعم تلخ دخالت مذهب را چشیده و همسرش در ایران اعدام شده است و اکنون با تشکیل

بعد از سخنرانی من برنامه های سخنرانی تمام میشود و مردم و جوانان تا پاسی از شب در آنجا در خیابانها می رقصند و شاد هستند. این حرکت یک خاطره زیبا و در عین حال بعنوان یک واقعه مهم یعنی قدرت نمایی جنبش سکولار و آنتیست در آلمان علیه دخالت مذهب و پاپ و کلیسا در اذهان باقی میماند.

انقلاب پایان نیافته است!

از صفحه ۱۰

بر علیه اش قیام کنند. اینها گوشه ای از واقعیات این جنگ کثیف و سرکوبگریهای کل حکومت جمهوری اسلامی است. این مهم است که نسل جوان امروز ایران این واقعیات را بدانند و از زبان شاهدان و بازماندگان تاریخ سی سال گذشته، ابعاد جنایات و بربریت جمهوری اسلامی را بشنوند. "ناگفته های جنگی" سران و پاندهای گوناگون حکومت، از خامنه ای گرفته تا رفسنجانی، موسوی و خاتمی رضایی

بر علیه مقام رژیم، توجیه اسلامی و وقاحت وی شرمی این جانیمان برای ادامه حکومتشان می باشد. توجیه و ماستمالی کردن مسئولیت جنایاتشان در سرکوب انقلاب مردم ایران می باشد. جمهوری اسلامی و تمام سران و مقاماتش در طول این سی سال گذشته مسئول، سازمانده هدایت کننده و به پیش برنده همه این جنایات و به یک معنا نسل کشی می باشند. همه اینها باید دستگیر و به جرم ارتکاب جنایت بر علیه بشریت محاکمه شوند.*

آکسیون برای آزادی کارگران زندانی در مرکز شهر فرانکفورت

میز اطلاع رسانی در مرکز شهر فرانکفورت روز جمعه ۳۰ سپتامبر، از ساعت ۱۶ تا ۲۰ در محل Hauptwache در مرکز شهر فرانکفورت
تلفن تماس: 0049157 81688732

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

L.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden



خط A نیز در حال خارج شدن از مدار تولید قرار گرفته است. همچنین امروز مدیریت پتروشیمی تعدادی کارگر داربست بند را از بیرون وارد کارخانه کرده بود تا به جای کارگران پیمانکاری اعتصابی مشغول کار شوند اما این کارگران به محض اطلاع از اعتصاب کارگران پیمانکاری، لباسهای کار خود را در آورده و با پوشیدن لباسهای شخصی شان حاضر به ادامه کار نشدند.

زنده باد پرسنل رسمی پتروشیمی بندر امام و کارگران بسته بندی که حاضر به کار به جای کارگران اعتصابی نشدند و توطئه مدیران را برای ایجاد تفرقه و تحت فشار قرار دادن کارگران اعتصابی و همینطور پرسنل رسمی خنثی کردند.

حزب کمونیست کارگری کلیه کارگران و پرسنل رسمی و غیر رسمی

پتروشیمی های ماهشهر، اطلاعیه شماره ۳: اعتصاب هزاران کارگر پتروشیمی های ماهشهر ادامه دارد

تلاش کارفرما برای تفرقه در میان کارگران بی نتیجه ماند

پرسنل رسمی انداخته است، این پرسنل نیز از آنجا که انجام این کارها را جزو وظایف خود نمیدانند با مسئولین خود درگیر شده اند تا جایی که در واحد بسته بندی یکی از چهار واحد بسته بندی، کارگران رسمی، کار کارگران پیمانکاری را انجام نداده اند به همین دلیل کارمندان رسمی در پشت دستگاہها قرار گرفته و اقدام به بسته بندی کرده اند و باعث خرابی در بسته بندیها و خراب شدن محصول برخی دستگاہها شده اند که این امر امروز منجر به درگیری شدید یکی از کارمندان با مسئول خود شد. قابل ذکر است در حال حاضر خط B واحد PVC مدار سرویس خارج شده و

کارگر تا کی ادامه دارد - پیمانکار پیمانکار حیا کن مجتمع رورها کن. بنا بر این گزارش اعتصاب و تجمع کارگران امروز هم بطور متحدانه ای ادامه داشت. در سومین روز اعتصاب هیچیک از مسئولین پتروشیمی در میان کارگران حاضر نشده اند. کارگران نیز هیچیک از مسئولین پتروشیمی و قول و قرار و وعده های آنان را قبول ندارند و خواهان مذاکره با مسئولین رده بالای وزارت نفت هستند. این اعتصاب در حالی امروز سومین روز خود را پشت سر گذاشت که با شروع اعتصاب کارگران پیمانکاری، مدیریت پتروشیمی از همان ابتدا کارهای آنان را بر دوش

طبق گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، اعتصاب کارگران پتروشیمی های ماهشهر وارد سومین روز خود شد. در این گزارش آمده است: "دیروز چهارم مهرماه کارگران پتروشیمی بندر امام (مرکز اصلی اعتصاب) در میدان مقابل دفتر این شرکت دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

کارگران در این تجمع و راهپیمایی شعار میدادند: تا نتیجه نگیریم ما از اینجا نمیرویم - ظرف کار ظرف کار وعده وعید کافیه - مزایا مزایا حق مسلم ماست - ترسید نترسید ما همه با هم هستیم - خوردن حق کارگر خیانت است به کشور - تبعیض برای

پنجم نوامبر: روز جهانی اعتراض برای آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی در ایران!

داده ایم. از شما دعوت میکنیم در هر کجای جهان هستید با ما همراه شوید. و به این اعتراض بین المللی بپیوندید. یا اینکه خود دست به کار شوید و با تشکل ها و فعالین سیاسی و کارگری شهرتان تماس بگیرید و برپایی اجتماع اعتراضی در پنجم نوامبر را برعهده بگیرید و خواست آزادی فوری و بی قید شرط کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی در ایران را بر طنین تر کنید. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۱، ۷ مهرماه ۱۳۹۰

میشود و سرکوب میشود. این واقعات را باید به گوش جهانیان رساند. ما به همراه تعدادی از گروهها، نهادها و فعالین سیاسی در ایوبزیون جمهوری اسلامی روز پنجم نوامبر ۲۰۱۱ را بعنوان روز جهانی مبارزه برای آزادی کارگران در بند و همه زندانیان سیاسی قرار داده ایم. به سهم خود مجموعه ای از اقدامات از تهیه نامه های اعتراضی تا برپایی پیکت ها و میزهای اطلاع رسانی در مراکز شهرها و تماس با سازمان های کارگری در کشورهای مختلف را در دستور قرار

جسمی و روانی بوده اند، نظیر شلاق زدن کارگران به جرم برپایی اول مه و یا بریدن زبان اسانلو رهبر سندیکای کارگران شرکت واحد. شاید ندانند که جمهوری اسلامی بی وقفه فعالین کارگری را دستگیر و زندانی میکند و آنها را تحت فشارهای مختلف قرار میدهد. شاید ندانند که کارگرانی که به نپرداختن حقوق های شان به مدت یک سال و دو سال و سه سال اعتراض میکنند سرکوب میشوند و رهبران شان به زندان می افتند. شاید ندانند که اعتراض کارگران علیه دستمزدهائی که یک پنجم خط فقر است جرم محسوب

۶ سال و ساسان واهی وش به ۶ ماه زندان محکوم شدند. شاید بسیاری ندانند که جمهوری اسلامی اخیرا تعدادی از فعالین اعتصاب در کارخانه تراکتورسازی در شهر تبریز را به سلول های انفرادی انداخت، سرشان را به نشانه تحقیر کوتاه کرد و از کار اخراجشان کرد. شاید بسیاری ندانند اوین و بسیاری از زندان های ایران همواره محل به بند کشیدن فعالین و رهبران کارگری بوده است. کسانی که جرم شان برپایی اعتصاب و ایجاد تشکل های کارگری بوده است و مورد بدترین توهین ها و شکنجه های

اکنون بسیاری در جهان میدانند که تعداد بیشماری زن و مرد، پیر و جوان، از همه اقشار جامعه، به دلیل عقایدشان و یا اعتراض به حکومت اسلامی در سیاهچال های مخوف رژیم حاکم بر ایران بسر میبرند. اما شاید بسیاری ندانند که همین چندی پیش، همزمان با اعتراضات توده ای در شهرهای آذربایجان شاهرخ زمانی و محمد جراحی فعالین کارگری در تبریز را دستگیر و به "جرم" دفاع از ابتدائی ترین حقوق کارگران به یازده سال و پنج سال زندان محکوم کردند. همراه با آنها دو فعال دانشجویی، نیما پوریعقوب به

سخنرانی مینا احدی در میتینگ اعتراضی هزاران نفره در برلین

باید بگویم در همه دنیا دست مذهب از دولت و قانون و آموزش و پرورش کوتاه شود. هیچ مذهب و اخلاقیاتی نباید مانع زندگی آزادانه و خوشبخت انسانها باشد."

رسانس و روشنگری تا به امروز دفاع کنیم. اجازه میخوایم در اینجا از طرف خانواده های هزاران نفر اعدامی و سنگسار شدگان در کشورهای اسلام زده بگویم: ما

هیچ نهادی حق ندارد در زندگی خصوصی مردم دخالت کند. این حق مردم است که از جوامع انسانی مذهب زدایی کنند. صنعت مذهب در همه دنیا با تحمیل بی حقوقی، با تحمیل خشونت و با جنایت مقدس نفس میکشد. اینجا میخوایم بگویم که در آلمان چون کلیسا حق ویژه دارد تقلا میکند که دست جنبش اسلامی و اسلامی ها را هم بگیرد و آنها را نیز وارد این گود کند. کلیسا در آلمان از آموزش امام در دانشگاههای آلمان دفاع میکند و از حقوق ویژه برای ارتجاع اسلامی در آلمان دفاع میکند. ما باید متحدانه از دستاوردهای

کلیسا این قوانین را در هر جایی که امکانش را دارد، در یک موسسه و یا در یک منطقه با تمام خشونت پیاده میکند. کلیسا و همه مذاهب علیه علم، علیه پیشرفت و علیه مدرنیته هستند. آنها اگر بتوانند میخوایند مردم را به دوره قرون وسطی برگردانند. ما اینجا جمع شده ایم که اعلام کنیم که مردم حق دارند اعلام کنند که مذهب باید از دولت جدا باشد. مردم حق دارند خواهان کوتاه شدن دست مذهب از آموزش و پرورش باشند.

این حق مردم است در قرن بیست و یک آنگونه عشق بورزند و زندگی کنند که خودشان میخوایند. هیچکس و

اجازه دهید از سوی سازمانها و افراد سکولار از سوی آتیست ها و کسانی که از اسلام خارج شده و به این مذهب پشت کرده اند، و از جانب ضد مذاهب از کشورهای ایران و عراق و افغانستان و سوریه و... به همه شما درود بفرستم.

امروز در برلین خیلی از سخنرانان در مورد احترام به حقوق انسانی حرف زدند و علیه دخالت کلیسا و مذهب در زندگی مردم و بویژه زندگی همجنسگرایان صحبت کردند.

کلیسا نهادی است که در دنیای امروز آشکارا از قوانین و سنتها و فرهنگ قرون وسطایی دفاع میکند.

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهلا دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!